

دوسرچشمه دشواریه‌ها

در سرمقاله شماره قبل نوشتیم مردمی که خون داده‌اند ، و انقلاب کرده‌اند ، مردمی که یک عمر باج داده‌اند ، و زجر کشیده‌اند و غارت شده‌اند امروز می‌گویند : ثروتهایی که ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ از مردم زحمتکش ما غارت کرده‌اند ، باید به حکم یک قانون کلی و عمومی که از مجلس می‌گذرد ، از آنان پس گرفته شود و به صاحبان اصلی آن برگردانیده شود و هر کس که این قانون کلی و عمومی را زیر پا نهاد جهت مجازات به قوه قضائیه سپرده شود . نوشتیم که اگر بخواهیم انقلابمان حفظ شود و در میهنمان دریچهای به سوی عدالت اجتماعی گشوده شود حتما باید این کار بشود و اگر نشود ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ قطعا به حکومت باز خواهند گشت و از این مردم زحمتکش انتقامی خواهند کشید که جلادان در شیلی و مصر و اندونزی و دیگر جاها از خلق می‌کشند .

خصلت انقلاب این است که اگر بخواهد پس نرود و شکست نخورد ، باید پیش برود . باید اهداف خود را یکی یکی تسخیر کند . زجر و دردی که کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان ما در زندگی کشیده‌اند ، آنان را برانگیخت انقلاب کنند . پس انقلاب باید درمان همین زجرها و دردها باشد . انقلاب برای درمان ستم‌ها و بی‌عدالتی‌هاست . انقلاب برای براندازی ستمی است که اقلیت قلیلی باجگیر و چپاولگر سرمایه‌دار و فئودال به اکثریت انبوه مردم پاره‌نهاد و زحمتکش روا می‌دارند . اقلیتی که تمام امکانات مادی و معنوی جامعه را به انحصار خود درمی‌آورد و هرچه فقر و بدبختی و بی‌خانمانی و بیسوادی و نادانی و مریضی و گرسنگی است ، به اکثریت عظیم توده‌های مردم زحمتکش تحمیل می‌کند . مردم انقلاب کرده‌اند ، خون داده‌اند و می‌دهند در برابر تجاوزگران و تروریست‌ها سینه سپر کرده ایستاده‌اند ، با میلیون‌ها مشت گرم کرده و فریادمرگ بر آمریکا میهن را به لرزه درآورده‌اند روز و شب زحمت می‌کشند که نظم طاغوتی " شه ساخته " در اعماق جامعه هم درهم شکسته شود و نظم نوین انقلابی‌مان به اهداف اساسی خود دست یابد ، یکی یکی آنها را تسخیر کند . پس آنگاه استوار و تسخیرناپذیر و بی‌بازگشت گردد .

مضمون اصلی مرحله کنونی... در صفحه ۲

دیدار سران امریکائی ترکیه و پاکستان، هشدار دهنده است

امپریالیسم آمریکا همراه با تقویت " نیروهای واکنش سریع " در منطقه از طریق رژیم‌های دست‌نشانده خود ، کوشش می‌کند جبهه‌های تجاوز تازماری علیه انقلاب ایران و افغانستان باز کند .

شورای نگهبان برای اکثریت مجلس که بسود مردم مستأجرو بی‌خانه بود مخالفت کرد

• اقدام اخیر شورای نگهبان آشکارا مغایر نظرات صریح امام خمینی ، اکثریت مجلس و دیگر نیروهای اصیل خط امام در دفاع از محرومان است

در صفحه ۵

قانون شکنی سنگردشمنان انقلاب است

دادستان کل کشور : اعلامیه ۱۰ ماده‌ای به قوت خود باقی است

در صفحه ۱۰

وزارت بازرگانی باید در اجرای طرح ملی کردن بازرگانی خارجی پی گیری باشد

• امام طرح دولتی شدن بازرگانی خارجی را تأیید کردند

در صفحه ۴

لغو ماده ۳۳ قانون کار خواست عاجل کارگرانست

در صفحه ۶

در ۸ صفحه

کاد ویژه جوانان

متحد شویم !

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

بسمه از صفحه ۲

دوسرچشمه

..... گسترش انقلاب،

سمت گیری علیه بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران است. این روزها بیویژه پس از تفویض اختیارات به مجلس از سوی امام، همه نیروهای وابسته به طبقات اجتماعی کشور ما بیشترین توجه خود را روی همین مبارزه متمرکز کرده اند. موضوع مالکیت و حدود و ثغور آن موضوع اصلی مبارزهای است که درگیر است و هر روز شدت بیشتری می یابد.

حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که تمام خطبه اول نماز جمعه این هفته دانشگاه تهران را بطور کامل به همین مساله اختصاص داد، ابتدا تاکید کرد:

"آنهايي که اموال نامشروع دارند، مطمئن باشند که نامشروعش را از آنها می گیریم و یقیناً می گیریم و اموال درست شان را در دست شان می گذاریم. دشمن همه تلاشش این است که نگذارد ما وارد این مرحله بشویم"

آری، دشمن همه تلاشش این است که نگذارد ما وارد این مرحله بشویم. همه دشمنان مردم زحمتکش ما و در رأس همه شان امپریالیسم امریکا، تمام توطئه ها و رذالت خود را بکار گرفته اند و می گیرند و خواهند گرفت که انقلاب ما به این مرحله قدم نگذارد. آنها از توطئه جنگ تجاوزکارانه گرفته تا نقشه شوم تروریسم و دیگر اشکال مقاومت مسلحانه ضدانقلابی تا حادث ترین جنگ تبلیغاتی با پوشش های اسلامی و ضد - اسلامی علیه انقلاب و سمت گیری ضد سرمایه داری آن تا تخریب و کارشکنی در امر تولید و "دوست" جازدن خود برای نفوذ در ادارات و ارتش و دیگر نهادها به منظور اخلاص گری و یا به کج راه بردن آنها استفاده می کنند که نگذارند اصلاحات بنیادین اقتصادی، بساط یک اقلیت محدود بزرگ مالک و کلان سرمایه دار غارتگر را برچینند و انقلاب در راستای احقاق حقوق زحمتکشان حرکت کند.

آقای رفسنجانی همچنین تصریح کرد که از جانب دوستان انقلاب هم آسیب های جدی به انقلاب می رسد. دوستانی که حریم قانون را می شکنند و به علت حالت ضد سرمایه داری شدیدی که دارند، عجله می کنند و خارج از قانون عمل می کنند و همین باعث می شود که قوانین عدالت خواهانه یا جنجال مخالفان مواجه شود و اجرای آن متوقف گردد. همانگونه که بند ج و د "اصلاحات ارضی متوقف ماند و هم قانون اراضی موات شهری و هم اگر اوضاع اینطور باشد فردا ملی شدن تجارت خارجی نیز معلق خواهد ماند. لذا باید قانونی عمل کنیم و خارج از قانون عمل نکنیم تا ثبات سیاسی و اجتماعی بوجود آید و اعتماد مردم به جمهوری اسلامی تقویت شود. رئیس مجلس گفت:

"نیاز داریم که تثبیت کنیم وضع کشور را و اعتماد مردم را جلب کنیم. باید این مردم بفهمند، سطح فکرشان بالا بیاید، مطمئن شوند که حقوقشان را قانون می گیرد و با غیر قانون نخواهند گرفت. ... قانون ممکن است اشتباه باشد. این مهم نیست، قانونی که اشتباه شد در عمل تجربه می کنند و قانون را اصلاح می کنند"

این سخنان از آنجا کاملاً منطقی است که می گوید باید با قانون عمل کنیم و با غیرقانون عمل نکنیم اوضاع را آشفته نکنیم و بدین وسیله حربه به دست بدخواهان و دشمنان در کمین نشسته مان ندهیم که از اوضاع آشفته سوء استفاده کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

این سخنان از آنجا کاملاً منطقی است که درک می کند برای اینکه انقلاب پیش برود باید مردم سطح فکرشان بالا بیاید و بفهمند که حق و حقوقشان چیست، و بخواهند که با قانون و حقوقشان را بگیرند. این سخنان نشان از این درک دارد که بین سطح آگاهی توده ها و میزبان آگاهی انقلابی آنها از حقوقی که دارند و حقوقی که باید بدست آورند در این جمهوری رابطه است و بدون بسیج توده ها، آگاهانیدن آنها و حمایت فعال و وسیع ترین اقشار خلق از قوانینی که قرار است در جهت تامین عدالت اجتماعی تدوین شود نه آن قوانین تدوین می شود نه آن قوانین به اجرا درمی آید.

این سخنان حاوی بخشی از واقعیت است زیرا بدرستی روی برخی شتابزدگی های زبان بار برخی افراد پرشور که در نهادهای انقلابی فعالیت می کنند، انگشت می گذارد که قبل از تدوین قوانین به گونه ای چپ روانه ممکن است دست به اقدام زنند و یا اضافه بر قانون عمل کنند و مثلاً اگر گفتند اموال غیرمشروع فلان سرمایه دار طاغوتی را بگیرند، آنان نظریه کینه مقدسی که دارند، بیشتر نیز می ستانند. اما بقیه واقعیت نیز باید مورد تاکید قرار گیرد واقعیت بسیار تلخی که امروز فراوری ماست آن است که متأسفانه برخی مراجع و روحانیونی که همسفر طرفدار سرمایه دار هستند، و هم طرفدار فتوادل هنوز تا آنجا نفوذ دارند که خود را فوق قانون تصویری کنند و از موضع راست با پوشش های اسلامی جلوی تصویب قوانین مترقی و انقلابی را می گیرند و در آنجا که دیگر تیغشان از ته نمی برد گوش و دم قانون را می برند و اگر این کار هم میسر نشد، می روند می کوشند در عمل، آنجا که می خواهند قانون را اجرا کنند جلوی آن سنگ بیاندازند و آن را معلق بگذارند.

بی آنکه خواسته باشیم ذره ای هم از اهمیت اجتناب از هر عمل خودسرانه آثار شیستسی بی حساب و کتاب غیرقانونی که با نیات حسنه صورت می گیرد، بگاییم، صادقانه باید اعتراف کنیم که آن سنگ بسیار بزرگ و غیرقابل چشم پوشی که امروز مانع از آن گردیده که مردم مطمئن شوند که حقوقشان را قانون می گیرد، مقاومت عنودانه عناصر و نیروهای است که با جعل احکام اسلام در خدمت دفاع از منافع سرمایه داران و ملاکین، مانع از پیشرفت کارها شده اند و جلوی تصویب و اجرای قوانین انقلابی را گرفته اند.

آینده باز هم بیشتر اثبات خواهد کرد که چگونه، وقتی که نیروهای دست راستی افراطی و بعضاً مشکوک که در انجمن هایی نظیر حجتیه متشکّل شده و هر اقدامی را که به نفع سرمایه داران و ملاکین باشد اسلامی می شناسند و تمام اقدامات و قوانین ترقی خواهانه ای که به نفع مردم محروم و زحمتکش تمام می شود را غیر - اسلامی می خوانند. تا این حد در نهادهای انقلابی نفوذ داشته باشند، وقتی نامه های تهدیدآمیز برخی علما (که مخالف خطی هستند که نه طرفدار فتوادل است و نه طرفدار سرمایه دار)، به شورای نگهبان در مورد رد قانون اراضی موات شهری قبل از اینکه قانون برای اجرا به دولت ارجاع شود جلوی تصویب آن را می گیرد، مانع اصلی در راه اجرای قوانین، مانع اصلی برای اینکه اسل سال قانون باشد، همین مقاومت عنودانه عناصر و نیروهایی است که با

پوشش اسلام، پرچم دفاع از سرمایه داران و زمینداران بزرگ را برافراشته اند.

این حرف کاملاً درست است که نیروهای مدافع انقلاب باید به مسئولانه ترین، شکل ممکن به قانون پای بند مانند و یک سر سوزن هم از آن تخطی نکنند. در این دورانی که دوران سازندگی است هر نوع بی نظمی، هرج و مرج و آناشگری قطع نظر از نیت این یا آن فرد، به زیان انقلاب تمام می شود. نیروهایی که "حالت ضد - سرمایه داری شدید" دارند باید همواره بکوشند که از یک طرف با پای بندی به قانون و نظم انقلابی، نیروی انقلاب را منجمد کنند و قوی سازند و از طرف دیگر بهانه به دست بدخواهان ندهند که انقلاب و اهداف آن را در نزد توده های ناآگاه بد جلوه دهند. لاکن خطای فاحشی است هرگاه تصور شود که اشتباه نکردن و پای بندی نیروهای انقلابی به نظم و قانون موجب می شود که نیروهایی که "حالت طرفداری از سرمایه داری شدیدی دارند"، دست از مخالفت با هر قانون و هر اقدامی که به نفع سرمایه داران و ملاکین نباشد، خواهند کشید و ساکت خواهند نشست.

اگر جزء به جزء کتب مقدس مذهبی "لیقوم الناس بالقسط" و "لیس للانسان الا ما سعی" بسود باز هم مراجعی که مخالف خط دفاع از پابرهنگها و کوخ نشینان هستند، آنان که با خط دفاع از استقلال و سرفرازی ملت ما مخالفت می کنند، آنان که مخالف خط آزادمنشی و رهایی طلبی برای توده های میلیونی و دفاع از حق حاکمیت برای اکثریت عظیم جامعه هستند آنان که هم طرفدار سرمایه دار هستند هم طرفدار فتوادل، یعنی همه مراجعی که مخالف خط امام اند، هر قانونی که از غارتگری بی بند و بار سرمایه داران و فتوادلها جلوگیری می کرد را "غیراسلامی" می نامیدند، جنجال می کردند که اسلام در خطر است. نباید فکر کرد که محافل منتسب به این "اسلام خواهان" فقط با بهره برداری از عمل ناشیانه عده ای عجول که نمی فهمند باید "دیوتر حرکت کنیم امسا صحیح تر حرکت کنیم" عوام فریبی راه می اندازند و اگر این عجله کاری ها نباشد آنان نیز ساکت می نشینند خبر، آنها در هر حال و در هر شرایطی تا آنجا که زورشان برسد از منافع سرمایه داران و ملاکین دفاع می کنند. فراموش نکنیم که کارتر نیز که همه می دانند حتی یک سر سوزن صلاحیت ندارد روی قوانین و مقررات اسلام اظهار نظر کند، در سفر اخیر به ژاپن مواضع امام خمینی را "غیراسلامی" می خواند و علاقه فقط طرفداران سیاست امریکا را مسلمان معرفی می کند.

در همین هفته گذشته لایحه لغو احکام تخلیه خانه های اجاره ای که یکی از دردهای بیشمار انبوهی از محرومان جامعه را برای یک سال تسکین می داد، بعد از تصویب مجلس از سد شسورای نگهبان عبور نکرد. در حالی که هیچکس که کوچکترین بهانه ای بدست کسی نداده بود. مبارزه و مقاومت جز ذاتی انقلاب است. اگر رنگی از عدالت اجتماعی می طلبیم باید یقین کنیم که صاحبان امتیاز در جامعه به این سادگی دست از امتیازات خود نخواهند شست باید یقین کنیم که آنها تا می توانند بر سر راه پیشرفت انقلاب، مشکل درست می کنند و دشواری می تراشند آنها وقتی سرکار هستند همه جنبش های حق طلبانه و عدالت جوینان مردم را سرکوب می کنند تا پایه های حکومتشان سست نشود. آنها وقتی به اراده مردم از اریکه قدرت به زیر کشیده شدند تمام سببیت و حیلگری خود را بکار می اندازند تا حکومت انقلابی و مردمی را سرنگون کنند.

دیدار سران امریکائی ترکیه و پاکستان

هشدار دهنده است

در اوایل هفته، رئیس کودتاگران ترکیه برای انجام یک دیدار با ضیاء الحق، رئیس حکومت نظامی و دست‌نشانده امریکا در پاکستان، عازم این کشور شد.

این ملاقات، نمی‌تواند و نباید یک ملاقات طبیعی بین سران دو کشور قلمداد گردد. زیرا، با اندک تأمل و تعمق می‌توان دریافت که این دیدار جزئی از مجموعه توطئه‌هایی است که ارتجاع منطقه بسرکردگی امریکائی جنایتکار، علیه حکومت‌های ضدامپریالیست و جنبش‌های انقلابی خلق‌های منطقه تدارک می‌بیند. حقایق گواه بر این مدعاست.

حکومت کودتایی پاکستان یکی از پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه حساس ماست که در دو سال گذشته بنحو بی‌سابقه‌ای از طرف امریکا و متحدان چینی و اروپایی آن تقویت شده است.

پاکستان، مرکز تجمع اصلی ضدانقلابیون فراری از افغانستان انقلابی است و رژیم امریکائی حاکم بر آن با تمام قدرت از برقراری صلح و آرامش در افغانستان ضدامپریالیست و مردمی و به طریق اولی در منطقه جلوگیری می‌کند.

ضیاء الحق، علیرغم آنکه در یک سال اول پس از پیروزی انقلاب و با استفاده از دولت موقت لیبرال‌ها، بنی‌صدر و قطب‌زاده‌ها، بسیار کوشید تا خود را "دوست" ایران معرفی کند، اما هرگز از کمک به ضدانقلابیون فراری از ایران غافل نماند. او پاکستان را از همان بدو انقلاب، مامن و محل استقرار سلطنت‌طلبان، ساواکی‌ها، خوانین و قاچاقچی‌های ضدانقلابی فراری از کشورمان قرارداد و امکانات چشمگیری در اختیار آنان گذاشت.

رژیم امریکائی پاکستان از یک سال پیش به این سو، به کمک‌های خود در این زمینه وسعت داده است.

از طرف دیگر، ترکیه‌ای که زیر چکمه حکومت

کودتاگران است، یکی از مهمترین پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه است. ترکیه برای پیمان تجاوزکارانه ناتو بقدری حائز اهمیت است که سردمداران این پیمان امپریالیستی بارها و بطور بسیار وقیحانه‌ای از اهمیت "استراتژیکی" آن سخن گفته‌اند!

هم‌اینک اصلی‌ترین گردانندگان شبکه‌های سلطنت‌طلب، ساواکی‌ها، خوانین و جنایتکاران فراری دیگر در ترکیه بسر می‌برند که با همدستی مائوئیست‌های امریکائی و باند قاسملو زیر نظر کارشناسان امریکائی به تربیت خرابکار و اعزام آنها به داخل کشور مشغولند. مدارک زیادی در دست است که نشان می‌دهد این شبکه‌های ضدانقلابی مورد حمایت و پشتیبانی فعال چکمه‌پوشان حاکم ترکیه است.

و بالاخره نکته اساسی در این دیدار آن است که این ملاقات در شرایطی صورت می‌گیرد که امپریالیسم امریکا تمام نیروی دوزخی خود را بکار گرفته تا با تنگ‌تر کردن حلقه‌های اتحاد حکومت‌های مرتجع و وابسته به خود، آنها را در جهت تجاوز به دولت‌های مترقی و ضدامپریالیست منطقه سازمان دهد. امپریالیسم امریکا در کنار تجهیز دم‌افزون نیروهای متجاوز خود که تحت عناوین رنگارنگ چون "نیروهای واکنش سریع" برای تجاوز به خلق‌های بی‌ساخته منطقه و دستاوردهای انقلابی آنان تدارک دیده‌است، می‌کوشد با استفاده از نیروهای مرتجع و مزدور در منطقه، کانون‌ها و جبهه‌های تجاوز علیه این خلق‌ها و حکومت‌های ضدامپریالیستی را بشکاید.

به این دلایل است که این دیدار را نبایستی بی‌اهمیت تلقی کرد. ملاقات بین سران مرتجع این دو کشور را که کینه عجیبی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ما دارند باید دقیقاً در

هشدار رئیس‌جمهور:

ساواکی‌ها هنوز هم مشغول توطئه هستند

سردمداری دسته‌های اوباش و بازی خورده را به عهده گرفتند. در جریان تهاجم نظامی امریکا به طیس و کودتای امریکائی نوزده برای محافل ساواکی نقش و جای ویژه‌ای در نظر گرفته شده بود. تاکنون بارها و بارها اسنادی دال بر فعالیت گسترده محافل سلطنت‌طلب و بمب‌گذار در جهت ایجاد انفجار و تخریب و ترور فاش شده است و به دنبال ترور بسم ضدانقلابی اخیر، محافل و دارو دسته‌های ساواکی بیش از هر زمان دیگر فعال شده و دامنه و ابعاد اعمال جنایتکارانه خود را گسترش داده‌اند. ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان این بار زیر نام "مجاهد" به مبارزه علیه انقلاب برخاسته‌اند و پرچمی را که رجوی خاغن بلند کرده است بهترین وسیله‌ای یافته‌اند که گرد آن جمع شوند.

بر همین اساس سخنان رئیس‌جمهور در مورد ادامه فعالیت‌های ساواکی‌ها هشدار است که باید جدی گرفت و برخلاف هشدارهای قلبی، آن را به فراموشی نسپرد. مسئولین جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارند برای برقراری آرامش متکی به قانون و مبارزه با تروریسم که نیاز حیاتی انقلاب است، توجه بیشتری به کشف و سرکوب شبکه‌های ضدانقلابی ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان سابق و طرفداران رژیم سابق مبذول دارند. باید با اقدامات متناسب و موثر و جدی گرفتن هشدار رئیس‌جمهور ریشه این سازمان جنایتکار و توطئه‌گر را خشکانده و امپریالیسم را از یکی از ابزار خطرناکش علیه انقلاب ایران، محروم ساخت.

بود. دولت لیبرال‌ها به انواع حیل‌ها، کلک‌ها، اغماض‌ها و گذشت‌ها که حتی در مورد کمیته‌ها و سپاه پاسداران حاضر به تن دادن نبود! کوشید مانع تلاشی شدن و نابودی قطعی این دستگاه جهانی و حتی احیاء مجدد آن گردد. نمونه آن کوشش‌های مهندسین بازرگان برای برگماری سپید مقدم رئیس ساواک به ریاست رکن ۲ ارتش بود. زیر حمایت آشکار و پنهان مسئولین و سردمداران سازشکار و ایضا جاسوس دولت بازرگان، ساواکی‌ها موفق شدند از گنجی ضربات سهمگین انقلاب بدر آمده و به تجدید سازمان بپردازند. در این دوره حتی کار به آنجا کشید که افراد و عناصر ساواک برای دریافت حقوق و مزایایی که در رژیم شاه امریکائی از آن برخوردار بودند، دست به تظاهرات و نمایش خیابانی زدند!

از آن پس دسته‌ها و محافل سازمان‌یافته ساواکی اقدامات مخرب خود را به نحو خطرناکی گسترش دادند. انحصارطلبی و تنگ‌نظری محافل قشری وابسته به جمهوری اسلامی نیز فضای مناسبی برای تنفس این جنایتکاران فراهم آورد. پی‌هر حمله‌ای که به دفاتر احزاب و سازمان‌های مترقی انجام می‌شد، هر چاقی که علیه میتینگ‌ها و نمایش‌های ضدامپریالیستی این نیروها به هوا رفت هر قدمی که برای لگدمال کردن آزادی‌های سیاسی برداشته شد، ساواکی‌ها جان تازه‌ای یافتند و عناصر این سازمان جنایتکار به‌نوبه خود در تمامی این اقدامات ضدقانونی و ضدانقلابی فوق شرکت جسته و در بعضی موارد حتی

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌های اخیرشان بر روی یک مسئله "فراموش شده" اما همچنان خطرناک صحنه گذارده و نسبت بدان هشدار داد. مساله ادامه فعالیت‌های جنایتکارانه و توطئه‌گرانه ساواکی‌ها:

"شما تصور نکنید که همه این انفجارها مربوط به گروهک‌هاست، بلکه فراریان رژیم سابق و ساواکی‌ها هم سهم دارند. همان کسانی که در روزهای اول انقلاب افراد کمیته را ترور می‌کردند و آنها را شهید می‌ساختند. امروز باز هم مشغول هستند به توطئه که ما نباید از آنها غافل باشیم"

پس از دو سال و نیم که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، رئیس‌جمهور بدستی بر روی اعمال جنایتکارانه ساواکی‌ها انگشت نهاده است. هشدار رئیس‌جمهور تاییدی است بر هشدارهای مکرر دیگر نیروهای انقلابی و حکایت از این واقعیت دارد که دستگاه جهانی ساواک هنوز زنده است، نفس می‌کشد و بنا به ماهیت خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی توطئه می‌چیند، نقشه می‌کشد و دست به جنایتکاری می‌زند.

آن عامل بسیار مهمی که پس از انقلاب باعث شد تا ساواک علیرغم همه خشم و کینه و قهری که مردم انقلابی نثار آن کردند از ضربت سهمناک انقلاب جان بدر برده و پس از گذشت مدتی در اشکال نوین کمر راست کرده و تجدید سازمان کند وجود دولت موقت لیبرال

همانگی این دو دولت نظامی دست‌نشانده امریکا برای به اجرا درآوردن سیاست‌های ماجراجویانه "پنتاگون" و "سیا" و بطور مشخص در تدارک و تمهیدات اجرای سیاست تجاوز و جنگ امریکا در مرزهای کشور و متعاقب آن تجاوز نظامی به میهن انقلابی‌مان، دید

برای مقابله با هر توطئه و تجاوز احتمالی آماده ناییم و بالاخره بکوشیم تا روند اتحاد با کشورهای مترقی منطقه، شتاب جدی‌تر و بیشتری بر خود بگیرد. تنها در چنین صورتی است که توطئه‌های مشترک کودتاگران امریکائی و ضیاء الحق امریکائی، عقیم خواهد ماند.

عسکراولادی تقویت و یاری
بخش خصوصی در صادرات
است :

"بخش خصوصی در امر
توزیع تقویت خواهد شد و
تا آنجایی که دولت
بتواند بخش خصوصی را
در امر صادرات یاری
می کند ، البته صادرات
باید ملی شود ولی چون از
نظر ارزی و کشاورزی
اجتیاج داریم مسلما به
ارز صادراتی ما آسیب
فراوانی وارد می شود"
(اطلاعات ۳۰ شهریور)

آقای عسکراولادی با
دولتی شدن صادرات مخالف
است و این نکته را در برنامه
وزارت بازرگانی نیز مشخص
کرده است به اعتقاد ایشان
اگر دولت صادرات را در
دست گیرد صادرات کاهش
خواهد یافت و به کشاورزی و
درآمدهای ارزی کشور آسیب
وارد خواهد شد اما ایشان
دلیل این ادعا را توضیح
نمی دهند ما می پرسیم که
"یاری بخش خصوصی در امر
صادرات" واقعا به نفع که
تمام خواهد شد ؟ آیا افزایش
جواز و تسهیلات صادراتی
به دهقانان خردمهای
تولیدکننده بسته یا کمتر
کنک خواهد رساند یا به
سرمایه داران سررگی که قادر
بوده و هستند که به زیر
دفعاتان خردمیان و
صادرکنندگان کوچک و
مصرف کنندگان داخلی به
خرید و انبارکردن این
محصولات بپردازند ؟ به
اعتقاد ما سیاست افزایش
جواز و تسهیلات صادراتی
در چارچوب "تجارت آزاد"
به رشد سرمایه داران
انحصاری منتهی می شود و نه
به بهبود کشاورزی و وضعیت
ذخایر ارزی به هر صورت
ما بر این نظریه که طبق اصل
۴۴ قانون اساسی بازرگانی
و خارجی یعنی صادرات و
واردات هر دو باید در
اختیار دولت قرار گیرد و
دولت نیز مجاز به واگذاری
حق انحصاری خود به بخش
خصوصی نیست ، بر این
اساس تصمیم به تقویت
بی قید و شرط بخش خصوصی
در امر صادرات (یا توزیع)
در حیطه اختیارات دولت یا
بقیه در صفحه ۱۴

وزارت بازرگانی باید در اجرای طرح ملی کردن بازرگانی خارجی پی گیر باشد

• امام طرح دولتی شدن بازرگانی خارجی را تأیید کردند

عهده بگیرد از اصل ۴۴
قانون اساسی دور می شود
مثلا اگر بخواهد آهن را
خود وزارتخانه راسا توزیع
کند از پیاده کردن تجارت
خارجی باز می ماند"
(اطلاعات ۳۰ شهریور)

البته ایشان در همین
مباحثه ادامه می دهند :

"بزرگای اینکه سوء
استفاده هایی نشود ، اتاق
بازرگانی و کمیته صنعتی
را تغییر اساسی داده ایم
بطوری که اتاق بازرگانی
و کمیته صنعتی دوبا باشند
برای شکل دادن تعاونی ها
که تعاونی ها محیطی برای
سرمایه داران نشود
(جمهوری اسلامی ۳۰ شهریور)

مسائل آقای وزیر بازرگانی
می پرسیم که شما از کدام
تغییر اساسی صحبت می کنید
و این دوا رگان که تحت تسلط
سرمایه داران بزرگ و کهنه کار
است چگونه مانع نم شود
سرمایه داران بزرگ به
تعاونی ها خواهد شد ؟ آنچه
را که ما عینا در مورد
تعاونی های آهن شاهد
بوده ایم با این سخن سازگار
نمی یابیم .

آقای عسکراولادی اساسا
بر این اعتقاد است که بخش
خصوصی باید در امر توزیع
تقویت شود . به اعتقاد ما
این مغایر اصل ۴۴ است که
با تأکید بر توسعه دو بخش
دولتی و تعاونی در واقع بخش
خصوصی را به محدوده های
کوچکتر از آنچه در گذشته
بود می راند و تقویت بخش
خصوصی در بازرگانی داخلی
اساسا در خلاف این جهت
است .

سومین محور سیاست آقای

مشکل کننده خرده فروشان و
صنعتگران باید مورد حمایت
بی دریغ دولت قرار گیرد چرا
که چنین نهادی جایگزین
نظام عمده فروشی انحصاری
کنونی و تا حدود زیادی
چاره ساز مسائل احتکار و
گرانی خواهد شد . اما ما در
عین حال شاهدیم که چگونه
سرمایه داران و تجار انحصاری
و عمده فروش به تکاپو
افتاده اند تا تحت پوشش
تعاونی به حفظ وضعیت گذشته
و گاه تقویت قدرت انحصاری
خود بپردازند نمونه بارز
این حرکت را در مورد تجار
بزرگ آهن مشاهده می توان
کرد که به مجرد تشکیل مرکز
تهیه و توزیع فلزات به
تشکیل تعاونی جدید ،
احیای تعاونی قدیم و نفوذ
در مرکز مزبور پرداختند تا
توزیع آهن را که بنا به قانون
برعهده آن مرکز بود در
تسلط انحصاری خویش گیرند
در این زمینه دو تعاونی
عمده و رقیب به طرق
گونگون به مقابله با یکدیگر
برخاستند و هریک کوشیده
تا دیگری را از میدان بدر
کند تا سرانجام در اوائل
سال جاری وزارت بازرگانی ،
توزیع شش نوع آهن آلات
اصلی را خود در اختیار
گرفت و از تعاونی های مزبور
خلع ید کرد . اما وزیر جدید
بازرگانی در کمتر از یک هفته
از شروع کار خود دو تعاونی
مزبور را به ترک مخاصمه
فراخواند و توزیع آهن را
مجدددا به آنها سپرد
(اطلاعات ۳ شهریور)

آقای عسکراولادی در
توضیح این سیاست خود گفت :

"اگر وزارت بازرگانی
توزیع را در سطح خرد به

تشکیل مراکز مزبور گفته ایم
که آن قانون فاقد شرایط
حداقل برای تحقق اصل ۴۴
بوده و در بهترین شرایط
تنها اصلاحات ناچیزی را در
وضع تجارت خارجی و نظام
توزیع داخلی کشور پدید
خواهد آورد . عملکرد مرکز
تهیه و توزیع ایجاد شده
مؤید این ارزیابی بود ، تا
آنجا که در لایحه جدید
دولتی کردن بازرگانی خارجی
که در اردیبهشت ۶۰ توسط
دولت شهید رجایی تقدیم
مجلس شد ، دولتی کردن
کامل واردات و صادرات ، و
ایجاد مراکز جدید
پیش بینی گردید . اما آقای
عسکراولادی در برنامه خود
برای وزارت بازرگانی نه تنها
از لایحه تقدیمی به مجلس
سخنی به میان نیاورده ،
بلکه محدود صحت مراکز
تهیه و توزیع را به پیش
کشیده است (کیهان ۲۷
مرداد ۶۰) و همزمان با
تلیفات ایشان مراکز تهیه
و توزیع نیز تبلیغ پیرامون
فعالیت های خود را با
اطلاعیه هایی که جعلی به
تیتز" در اجرای اصل ۴۴
قانون اساسی" مزین بود ،
شروع کردند .

دومین سیاست مورد تأکید
آقای عسکراولادی توسعه و
تقویت تعاونی های تهیه و
توزیع است و در این مورد
ایشان همواره به تأکید اصل
۴۴ بر بخش تعاونی استناد
می کنند . ما نسبت به نقش
شبکه تعاونی ها در نظام
بازرگانی داخلی و اهمیت
توسعه و تقویت آن با آقای
عسکراولادی موافقم اسما
سؤال ما در ماهیت
تعاونی های مورد نظر ایشان
است به اعتقاد ما تعاونی های
تهیه و توزیع به عنوان نهاد

آقای عسکراولادی وزیر
بازرگانی پس از ملاقات با
امام اعلام کرد : "اسام
طرح دولتی شدن بازرگانی
خارجی را تأیید کردند" با
توجه به این حقیقت که آقای
عسکراولادی هیچگاه به
صراحت از تحقق کامل اصل
۴۴ قانون اساسی در زمینه
ملی کردن تجارت خارجی
سخن نگفته بود ، اکنون پس
از تأیید صریح امام خمینی
مردم و نیروهای مدافع
انقلاب می خواهند که وزارت
بازرگانی ره نمودار امام ، اصل
۴۴ قانون اساسی و خواست
توده های میلیونی را پیگیرانه
متحقق سازد .

موقعی که آقای عسکراولادی
در کابینه جدید در مقام
وزارت بازرگانی ایفا شد یکی
از نمایندگان مجلس هنگام
دادن رای اعتماد به کابینه
آقای موسوی درباره آقای
عسکراولادی خاطرنشان
ساخت :

"ایشان به تجارت آزاد و
سیستم آزاد عرضه و تقاضا
معتقد است"

کارکرد جناب وزیر نیز ،
هم در کابینه قبلی و هم
در کابینه جدید تاکنون مؤید
این نظر بوده است .
آقای عسکراولادی در برنامه
خود برای وزارت بازرگانی
و در مصاحبه ها و اظهارات
پراکنده ای که تاکنون داشت
بر بسط و گسترش "مراکز
تهیه و توزیع" و "تعاونی های
تهیه و توزیع" و بر گسترش
صادرات "تأکید کرده اند .
پس از ملاقات با امام نیز با
تأکید خاصی ، (خاص
ایشان) گفت :

"توزیع داخلی به عهده
بخش خصوصی است"
خوب است با توجه به
سوابق و عملکرد جناب وزیر
در این "تأکیدات" مکت
کنیم و ببینیم تا چه اندازه
این تأکیدات با روح اصل
۴۴ قانون اساسی سازگار است
"مراکز تهیه و توزیع"
مراکز است که بر طبق مصوبه
شورای انقلاب (اردیبهشت
۵۹) تشکیل گردیده ،
واردات دولتی و نظارت
بر واردات خصوصی و توزیع
داخلی آنها را عهده دار شده
است . ما قلا درباره قانون

گسسته با دهمه وابستگی های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ،
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر گردگی امپریالیسم امریکا

شورای نگهبان با رأی اکثریت مجلس که بسود مردم مستأجرو بی خانه بود مخالفت

کرد

• اقدام اخیر شورای نگهبان آشکارا مغایر نظرات صریح امام خمینی،
اکثریت مجلس و دیگر نیروهای اصل خط امام در دفاع از محرومان است



هفته پیش مجلس لایحه‌ای درباره توقف احکام تخلیه خانه‌ها و آپارتمان‌های اجاره‌ای به تصویب رساند که شورای نگهبان علیرغم آگاهی از تمایل امام و حمایت صریح ایشان از نظرات اکثریت مجلس آن را رد کرد و به مجلس بازپس فرستاد.

ببینیم این لایحه چیست ؟

در سال ۱۳۵۶ دولت ضد مردمی شاه قانونی را به تصویب رساند که براساس آن اجاره واحدهای مسکونی تابع قوانین مدنی بوده و مستاجر پس از انقضای مدت قرارداد دارای حقوقی معین برای استفاده از ملک مورد اجاره نیست. این قانون رسماً قانون قدیمی مربوط به روابط مالک و مستاجر را که بر اساس آن مالک نمی‌توانست مگر در شرایطی خاص مستاجر را مجبور به تخلیه واحد مسکونی سازد، ملغی اعلام کرد.

در شرایط کنونی که قیمت‌ها پیوسته رو به افزایش دارد، قیمت مسکن و اجاره‌آن همچنان سر صعودی را می‌پیماید و دولت جمهوری اسلامی با وجود تاکیدات مکرر امام بر ضرورت رسیدگی فوری به اینگونه نیازهای مستضعفین به دلایل موانع جدی از حلقه مخالفت‌های شورای نگهبان هنوز سیاستی روشن و معین درباره تأمین مسکن مردم زحمتکش میهن اتخاذ نکرده و باعث آن گشته که توده عظیمی از مردم شهرها، همچنان در واحدهای مسکونی اجاره‌ای زندگی کنند. از طرف دیگر مالکان واحدهای مسکونی برای افزودن به قیمت‌های اجاره‌ها، کوشش می‌کنند پس از انقضای مدت قرارداد با مستاجر را مجبور به تخلیه کرده و واحد مسکونی را به قیمتی بالاتر اجاره دهند و یا با استناد به همان قانون "آریامهری" مستاجر را ناگزیر به پرداخت اجاره‌بهای بیشتری کنند.

هنگامی که لایحه معاملات واحدهای مسکونی مطرح شد، شورای نگهبان هم با دخالت دولت در کنترل قیمت واحدهای مسکونی و هم با اجاره دادن واحدهای مسکونی خالی که مالکان آنها را "احتکار" کرده‌اند، مخالفت کرد و این لایحه را مغایر موازین

اسلامی "تشخیص داد. شورای نگهبان با این مخالفت در شرایطی که نه مسکنی برای زحمتکشان تدارک دیده شده است و نه قیمت واحدهای مسکونی و نرخ اجاره آن کنترل می‌شود، عملاً راه را برای مالکان باز نگه داشت تا هرچه می‌خواهند بر سر مستاجریں محروم بیاورند، اجاره‌ها را افزایش دهند و اگر مستاجر نتوانست نرخ افزایش یافته اجاره را بپردازد، حکم تخلیه ملک را از دادگستری بستانند.

سفارش را به قضات کرده‌ایم که قضات محترم باید در مواردی که نسبت به تخلیه مسکن شکایتی می‌شود، مراعات حال مستضعفین را بکنند... بی‌شش از این سفارش نمی‌توانیم بکنیم (اطلاعات بیست و یکم آبان ۱۳۶۰)

در ادامه این وضع بود که سرانجام مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته لایحه تصدیمی از سوی دولت را به تصویب رساند که به موجب آن به مدت یک سال اجرای احکام تخلیه به تعویق افتد تا در این لایحه اخیر و لغو قانون مدت دولت لایحه‌های درباره ایران از قضات طلب رفت مجلس تقدیم کند. اقدام و گذشت در این باره کرد و مجلس شورای اسلامی اقدامی مثبت بود در جهت مقابله با... در عین حال ایسن وضع بحرانی هزاران خانواری

که در معرض تخلیه اجباری از خانه اجاره‌ای‌شان بودند، هر چند که نمی‌توان مساله حاد مسکن را با چنین اقدامات جزئی و موضعی برطرف کرد. به دنبال تصویب لایحه مذکور اکثریت شورای نگهبان که بر موضوع مالکیت، نظری خلاف اکثریت مجلس و نیروهای واقع پس خط امام دارد و برخلاف رهنمودها و اظهارات امام خمینی به جای دفاع از منافع محرومان و مستضعفان عملاً از ملاکان و سرمایه‌داران دفاع می‌کند با تصویب این لایحه مخالفت کرد و طی اطلاعیه آن را بر خلاف موازین شرعی اعلام کرد و به مجلس بازگرداند. یادآوری می‌کنیم که شورای نگهبان همواره در مقابل لوايح مصوب مجلس که حريم مالکيت بزرگ مالکین و کلان‌سرمایه‌داران را محدود

کرده، از خود واکنش منفی نشان داده و در تصویب چنین لوايحي مقاومت و مخالفت کرده است.

اقدام اخیر اکثریت شورای نگهبان آشکارا مغایر نظرات امام، اکثریت مجلس و دیگر نیروهای اصل خط امام است. درواقع شورای نگهبان با این اقدام خویش رأی بر آن داده است که مردم زحمتکش با زن و فرزندانشان از حق زیستن در یک چار دیواری محروم شوند و ملاکان اختیار داشته باشند آنان را به کوچه و خیابان بریزند. چنین دیدگاهی قطعاً نمی‌تواند پیش از این در چارچوب مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد و با خطر مردمی امام خمینی که در جهت انجام اقدامات بنیادی به سود زحمتکشان و مستضعفان سمت‌گیری کرده است، در تناقض نیفتد.

امروز عملاً شورای نگهبان با ترکیب کنونی آن به مانعی جدی در برابر سیاست‌ها و اقدامات مردمی و ترقیخواهانه امام، دولت و اکثریت مجلس شورای اسلامی بدل شده است. وضعیت کنونی شورای نگهبان عملاً این نهاد را به سنگر دفاع از ملاکان، زمینداران بزرگ و کلان‌سرمایه‌داران تبدیل کرده است.

چنین وضعی مسلماً نمی‌تواند با وضعیت دشوار و حساس کنونی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران منطبق باشد و طبعاً هرگونه تمکین به تصمیمات انقلاب‌شکانه اکثریت شورای نگهبان خطرات جدی برای انقلاب در پی خواهد داشت. پاسخ تاریخی رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی به حجت‌الاسلام رفسحانی بدون تردید وظیفه اکثریت مجلس و نیروهای اصل و مردمی خط امام را در برابر اینگونه موانع روشن کرده است. انقلاب برای وحدت خود به اقدامات عاجل و جدی در حمایت از خواست محرومان و زحمتکشان جامعه نیازمند است و امروز هر نیرویی که در راه تحقق این خواسته‌ها بایستد بدون تردید دیر یا زود اعتبار خود را در میان مردم از دست خواهد داد و از سر راه انقلاب کنار زده خواهد شد.

استقلال - کار - مسکن - آزادی



لغو ماده ۳۳ قانون کار خواست عاجل کارگرانست

اخراج های بی رویه و روزافزونی که در واحدهای تولیدی و خدماتی، با استناد مستقیم و یا غیر مستقیم به ماده ۳۳ قانون کار آریامبری صورت می گیرد، آنچنان فزاینده و ناخوشایندی را در رابطه با حق کار و امنیت شغلی کارگران بوجود آورده است که تداوم آن نمی تواند عوارضی جز تشدید مشکل بیکاری و خسته دار شدن بیشتر حمایت نوده های زحمتکش از جمهوری اسلامی را در پی داشته باشد. می توان به حرات گفت که در شرایط کنونی، ماده ۳۳ از برخی جهات به مراتب بیش از گذشته حقوق اساسی کارگران (به ویژه حق اشتغال و امنیت شغلی آنان) را صایع می سازد، زیرا وضعیت نامناسب بازار کار و بیکاری فزاینده ناشی از بحران اقتصادی کارگران را وادار می کند تحت شرایط سخت تری نیروی کارشان را عرضه کنند. میراث شوم رژیم صدمردمی پیشین تنها در بحران اقتصادی، بیکاری، تورم و مشکلات مشابه آن خلاصه نمی شود، بلکه همچنین در قالب قوانینی ضدانقلابی و ضدکارگری از قبیل ماده ۳۳ قانون کار، ماده ۲۵ قانون کارکنان و بکار قانونی منحصر دیگر نیز منشاء تأثیرات مخرب می گردد. ما در اینجا خواهیم کوشید جوانی از تأثیرات مخربی را که اجرای ماده ۳۳ در تشدید مشکلات کنونی کارگران دارد، نشان دهیم: در ماه ۳۳ آمده است:

"هرگاه قرارداد کار برای مدت نامحدود منعقد شده باشد هر یک از طرفین (کارفرما و کارگر) می تواند با ۱۵ روز اخطار کتبی قبلی، آن را فسخ نماید... این ماده، قراردادهای منعقد را نه در چارچوب قراردادهای دسته جمعی، میان کارفرما و تشکل کارگری، بلکه در چارچوب قراردادهای عادی (و هر لحظه قابل فسخ) بین کارفرما و افراد کارگر می بیند و برای تشکل های کارگری کمترین حقی

در مقابل رای خودسرانه و یکجانبه کارفرما در امسر "فسخ قرارداد" (و در واقع اخراج های فردی و دسته جمعی کارگران) قائل نیست از اینرو به مثابه حربه برنده ای در اختیار کارفرماست تا آن هر لحظه که اراده کرد امنیت شغلی کارگران را به مخاطره اندازد و ابتدایی ترین حقوق کارگران (حق اشتغال و امنیت شغلی) را "قانونا" باطل کند. اصولاً، زمینه ها و حوالب مختلف اخراج کارگران را که با استناد مستقیم و غیر مستقیم به ماده ۳۳ گرفته و صورت می گیرد، می توان در وجوه زیر خلاصه کرد:

۱- اخراج به دلیل وضعیت نامساعد اقتصادی:

پس از پیروزی انقلاب بهمن، بسیاری از صنایع وابسته، دیگر همچون گذشته نمی توانستند به حیات شان ادامه دهند (البته دولت بازرگان و پس از آن بنی صدر تلاش کردند که این صنایع به وضع سابق بازگردند ولی انقلاب، تشنات آنان را غقیم گذارد) محاصره اقتصادی امپریالیستی نیز بحران را تشدید نمود. این خود موجب تعطیل برخی واحدها و کاهش تولید بسیاری دیگر گردید و زمینه اخراج و بیکاری بخشی از کارگران را در مقیاسی فراتر از گذشته، فراهم آورد. این موضوع به ویژه در بخش خدمات، بازتاب بیشتری یافت. تعطیل بخش هایی مانند شرکت های ساختمانی، هتل ها و مراکز جهانگردی و... موجب اخراج و بیکاری هزاران کارگر گردید

و متأسفانه در واحدهای تولیدی بزرگ در جهت عویمی خط تولید و نوسازی موثر ادوات و تهیه مواد اولیه ضرور، آنچنانکه باید برنامه ریزی جدی و اقدام اساسی صورت نگرفت تا امواج گسترده بیکاری را تا حدی فروشاند. و مضاف بر آن، دست نخورده گذاشتن قانون کار قدیم و به ویژه ماده ۳۳، اخراج های مکرر و دسته جمعی کارگران را (بدون کمترین حمایتی از حقوق انقلابی کارگران) بیش از پیش تسدید کرد.

۲- اختلال مدیریت ضدانقلابی و لیبرال در روند تولید:

مدیران لیبرال و ضدانقلابی از آغاز پیروزی انقلاب، به ویژه پس از سقوط دولت بازرگان، همواره در برابر تداوم تولید، نوسازی کارخانجات و تأمین استقلال اقتصادی به انحای مختلف اختلال کرده اند. ولی این اختلالگری های ضدانقلابی همواره در مقابل خود با صدی نفوذناپذیر از وحدت اراده و فاطمیت انقلابی کارگران و تشکل های کارگری مواجه می شد. از اینرو عناصر ضدانقلابی برای تأمین مقصود خود راهی جز توطئه گیری علیه تشکل های کارگری (به ویژه از طریق اخراج پیروترین نمایندگان و رهبران صفی کارگران) نمی دیدند و مهمترین حربهای که از زرادخانه قانون کار ارتجاعی در اختیارشان بود همان ماده ۳۳ بود. بخش اعظم اخراج های کارگران مارز و انقلابی در این رابطه بوده است.

۳- تنگ نظری ها و نسدانم کاری های برخی از مسئولین جمهوری اسلامی:

تعداد قابل توجهی از اخراج های دو ساله اخیر که توسط مسئولین جمهوری اسلامی صورت گرفته است بطور مستقیم یا غیرمستقیم به استناد ماده ۳۳ بوده که آخرین نمونه های آن را در کارخانجات ساکا، پارس الکتریک، استارلایت و... می توان دید متأسفانه این تنگ نظری ها، منشأ اثرات مخربی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی در کارگران شده است به عنوان مثال در کارخانه استارلایت مدیریت کارخانه مجاوز از ۲۵۰ کارگر زن را عمداً به بهانه هایی نظیر عدم رعایت کامل حجاب اسلامی و... اخراج کرده است. مدیریت این کارخانه که از عناصری مانند شجاعیان (عامل اخراج ۲۴ تن از کارگران ساکا به بهانه ارسال کمک مالی به خانواده کارگر زندانی احمد رضا کریمی) تشکیل شده است بدون ذره ای احساس مسئولیت در قبال مصالح انقلاب مبادرت به این اقدام نموده است و ناسف بارتر آنکه این اقدام به عنوان نمونه ای از "فاطمیت" انقلابی آقای شجاعیان مورد تأیید وزیر جدید کار نیز قرار گرفته است. در شرکت واحد اتوبوسرانی تعدادی از رانندگان را به علت اینکه در هنگام آتشزدن اتوبوس توسط دار و دسته رجوی خائن، نتوانستند آنچنانکه باید از اتوبوس شان (که بیت المال است) در مقابل مهاجمین دفاع کنند، اخراج کرده اند به اغلب کارگرانی که به

"دلایل" فوق الذکر اخراج می شوند، به استناد بخشنامه محرمانه ای (که در رابطه با ماده ۳۳ است) حتی "مزایای" مندرج در ماده ۳۳ نیز تعلق نمی گیرد و مسئله آنها به دادستانی انقلاب ارجاع می شود نه به هیئت های حل اختلاف. ماده ۳۳ در اینجا سلاجی است در دست عناصر تنگ نظر و مغرض و حتی مشکوک، جهت تفتیش عقاید، اخراج های ناموجه و اقدامات وحدت شکنانه در کارخانجات، دوستان نادان انقلاب که در میان شان دشمنان آگاه و دوست نمای بسیاری نیز پنهان شده اند، ماده ۳۳ قانون کار را جهت تضعیف انقلاب بکار می گیرند.

۴- مقابله غیراصولی با خواست های صنفی - رفاهی کارگران:

کارگران، پس از پیروزی انقلاب با آگاهی بیشتر و با توجه به شرایط جامعه و مصالح انقلاب و با درک ضرورت تحکیم دولت جمهوری اسلامی ایران، مطالبات و حقوق اولیه صنفی خود را طرح کرده و می کنند. و دولت جمهوری اسلامی نیز متغایلاً در برابر مردم (که به قول امام تعهدات انقلابی شان را بنحو احسن انجام داده و می دهند) تعهدات عظیمی دارند و آن پاسخویی شایسته به خواج انقلابی زحمتکشان است. اما کارگران انقلابی و ایثارگر ما در بسیاری موارد به واسطه وجود عناصر ضدانقلابی و لیبرال و همچنین عناصر تنگ نظر و ناآگاه در مواضع تصمیم گیری نه تنها پاسخ شایسته ای نشنیده اند، بلکه در موارد بسیاری در جواب مطالبات پیگیرانه شان نصیبی جز اخراج (آن هم به استناد ماده ۳۳) نبردد. اینگونه اخراج ها اغلب در پاسخ مطالباتی چون ایجاد تشکل کارگری (شورا، سندیکا) برخورد داشتن از مزایای تأمین اجتماعی و شرایط عادلانه کار و... صورت گرفته است و متأسفانه در بسیاری از این موارد

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشباز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



عناصر ناآگاهی پیدا می شوند که بدون توجه به شرایط طاقت فرسای کار ، مطالبات انسانی و عادلانه کارگران را برای زندگی بهتر ، تحت عنوان "خط رفاه طلبی" محکوم می کنند و آن به آسیب لیبرالها و ضدانقلابیونی می ریزند که با ماده ۳۳ جواب کارگران را می دهند .

۵- حرص و آز فرایند کارفرمایان در استثمار کارگران :

اخراج فردی و دسته جمعی کارگران ، در رابطه با طمع سودجویی هرچه بیشتر سرمایه داران ، در واحدهای خصوصی بطور چشمگیری معمول و رایج است کارفرمایان کارگرانی را که به علت افزایش سن و یا نقض عضو و اصولا وقتی که نتوانند آنچنانکه کارفرما می خواهد بهره‌وری داشته باشند ، با استناد به ماده ۳۳ "قانونا" اخراج می کنند . در اینجا ماده ۳۳ ، سلاجی است در دست کارفرمایان برای استثمار هرچه بیشتر کارگران کشاورزی نیز وجود چنین ماده‌ای در رنجند ماده ۲۵ قانون کار کشاورزی نیز همانند ماده ۳۳ قانون کار ، برگ برنده کارفرمایان است . بر اساس این مواد (۳۳ قانون کار و ۲۵ قانون کار کشاورزی) ، کارفرما می تواند به هر دلیلی کارگر را اخراج کند و کارگر هیچگونه حقی در امتناع از این حکم ندارد . ماده ۳۳ تنها تعهدی که برای کارفرما می شناسد ، پرداخت مزایای اخراج است که هیچگاه راههای تقلیل آن و حتی گاهی ، گریز از آن "تعهد بسته نیست در این ماده آمده است :

" کارگر اخراجی در صورتی که یک سال اعم از متوالی یا متناوب نزد کارفرما خدمت کرده باشد ، کارفرما بایستی در موقع فسخ قرارداد به نسبت هر یک سال خدمت ، معادل ۱۵ روز آخرین مزد کارگر را به او پرداخت نماید و در صورتی که تا تاریخ خاتمه خدمت خود لااقل سه ماه متوالی و یا ۶ ماه متناوب نزد کارفرما خدمت کرده باشد حق دارد ظرف

۱۵ روز ، به مراجع مذکور در فصل حل اختلاف ، شکایت کند و مراجع مذکور می توانند با توجه به مدت کار و میزان مزد و سن و عائله کارگر و سایر شرایط و اوضاع و احوال اضافه بر وجوه مذکور در فوق مبلغی که از جمع مزد سه ساله کارگر تجاوز نکند به عنوان خسارت تعیین نمایند

این ماده به بسیاری از کارفرمایان آموخته است که کارگران را بطور موقت و برای مدت کمتر از ۳ ماه به خدمت گیرند تا از پرداخت خسارت اخراج معاف شوند (مناسفانه سازمانهای دولتی جمهوری اسلامی نیز به ویژه شهرداری ها از این موضوع وسعیا استفاده می کنند) همچنین کارفرمایان با استفاده از این ماده و با معطل کردن کارگران به مدت بیش از ۱۵ روز (به بهانه های مختلف) از شکایت به موقع آنها به مراجع قانونی جلوگیری کرده و از پرداخت "مزایای" اخراج خودداری می کنند . ماده ۳۴ قانون کار نیز در این زمینه به کمک کارفرمایان می آید تا اگر بتوانند تقصیری برای کارگران بترانند از پرداخت خسارت اخراج معاف شوند . البته بی اطلاع کارگران از مقررات نیز خود کمک موثری (در جهت شاه خالی کردن از پرداخت خسارت) به کارفرمایان می کند . مناسفانه پس از انقلاب در زمان وزارت فروهر و سپس نعمت زاده ، خسارت اخراج از ۳ ماه حقوق در سال ابتدا به ۲ ماه و بعد به ۴۵ روز کاهش یافت و با این کار نیز کمک دیگری به کارفرمایان شد . از طرفی با بخشنامه شماره ۵۱۸۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ ، عهده پرداخت خسارت اخراج به کارگران خارجی بدون پروانه کار را مجاز نمی داند عملا به کارفرمایان سودجو جهت استخدام غیرقانونی کارگران افغانی و اخراج کارگران ایرانی بهترین مجوز را داد . (هرچند که این بخشنامه و بخشنامه های مشابه آن عمدتا در رابطه با غیرقانونی کردن استخدام کارگران افغانی و پاکستانی که پروانه اقامت رسمی و کار ندارند ، تنظیم شده بود ، و هدف آن حمایت از حق قانونی کارگران ایرانی جهت اشتغال بود) به هر حال ماده ۳۳ قانون کار بهترین روابط ظالمانه را در مناسبات میان

کارگر و کارفرما حفظ می کند . این ماده حق اعتراض را از کارگر سلب می کند و آنان را به تسلیم و تمکین در برابر اراده کارفرما وامی دارد . در مجموع ، اخراج هایی که به استناد این ماده صورت می گیرد ، در شرایط کنونی که جامعه ما با مشکلات اقتصادی بسیاری روبروست زمینه مناسبی برای ضدانقلاب و سازشکاران پدید آورده است که بتوانند با تبلیغات مسموم خود ، ناراضی را افزایش دهند و حمایت فعالانه طبقه کارگر را از انقلاب خدشه دار سازند . مسلما ضدانقلاب از این شمیری که در کف دارد نهایت بهره‌جویی را می کند کارگران مبارز و انقلابی ایران ، به ویژه پس از پیروزی انقلاب بارها و بارها از مقامات مسئول خواسته اند که با تصویب یک قانون کار انقلابی و بخصوص با لغو هر چه سریع تر ماده ۳۳ (که حربه سرمایه داران علیه کارگران است) پاسخگویی به جوانح اولیه و مقدم کارگران را بعهده نمایند . در همه تظاهرات و گردهمایی های کارگران لغو این ماده ضد کارگری همواره از مبرم ترین مطالبات کارگران بوده است قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۴۳ ، ۴۴ و ۴۶ خردود

مضمون ماده ۳۳ را اساسا مردود می داند . ولی مناسفانه مقامات وزارت کار و امور اجتماعی در لغو این ماده تعلل ورزیده اند و حتی نعمت زاده وزیر اسبق کار در مصاحبه ای گفته بود :

" اصولا چنین ماده‌ای را نمی شود لغو کرد " (اطلاعات ۲۴ دی ماه ۵۸)

برخورد مقامات وزارت کار در قبال این مسئله در حال حاضر نیز مسئولانه نیست ، چون از سویی دست هیت های حل اختلاف را (برای صدور آراء متناسب با اعمال فشارها و دستورالعمل های متعدد) بسته اند و از سوی دیگر در برخورد با موارد مشخص موضع گیری های یکجانبه می کنند . در این زمینه ، تنها اقدام قابل توجه و مثبت وزارت کار احراز مصونیت برای نمایندگان شوراهای اسلامی کارگران و موسسین آن بوده است . اکنون بر مقامات مسئول است که هرچه زودتر با تدوین و تصویب یک قانون کار و تامین اجتماعی مترقی براساس حقوق کار مندرج در قانون اساسی و با شرکت و همکاری فعال تشکلهای کارگری به خواست های

عادلانه کارگران پاسخ گویند بدیهی است که در قانون کار جدید باید به جای ماده ۳۳ ضوابطی انقلابی ناظر بر چگونگی برکناری موقت و یا جابجایی کارگران باشد . در این اصول ، کارفرما نباید بطور یکجانبه و به میل خود قادر به اخراج کارگران باشد و انفصال از کار در موسسه یا کارخانه باید مشروط به توافق شورای کارگری و نیز با استناد به دلایلی نظیر ضوابط زیرامند پذیر باشد : تجدید سازماندهی تولید یا تعطیل کارگاه ، عدم تطبیق شغل و ضرورت انتقال به کار دیگر ، قصور مداوم کارگر در کار (به تشخیص شورای کارگاه) ، غیبت طولانی در کار بدون عذر مسوجه و ... ضوابط انقلابی جدید باید بر حق نظارت تشکلهای کارگری (شورا ، سندیکا) در امر استخدام کارگران و ممنوعیت هرگونه اخراج بدون مشورت قبلی با تشکلهای کارگری مبتنی باشد . و اما تا تصویب قانون کار جدید ، باید وزارت کار ، شرایط اخراج را محدود کند و جز در موارد تعطیل ضروری کارگاه ها ، فقط در صورت اثبات تقصیر کارگر (با تشخیص شورای کارگری واحد و بازرسان وزارت کار) اخراج مجاز باشد .

وزیر صنایع و معادن:

«مدیران کارخانجات تولیدی

ملزم به ارائه گزارش کار به کارکنان هستند»

ارزنده ترین دستاوردهای انقلاب بهمن و بالاخص جنبش کارگری ایران است . اعمال این حق انقلابی در واحدهای تولیدی و صنعتی معتبرترین تضمین اجتماعی در حسن اداره این واحدها و کارایی موثرتر آنهاست شوراهای کارگری به مثابه مهمترین تشکلهای کارگری - سندیکایی موجود ، در جریان انقلاب و پس از آن ، با شایستگی ستایش انگیزی نشان دادند که نه تنها در مبارزه

با مشکلات تولید و شمربخش ساختن تلاش های آنان در جهت افزایش تولید ، بهبود کیفیت کار ، تقلیل ضایعات و پیشبرد مبارزه علیه وابستگی است با تاکید بر اینکه آگاهی کارگران بر این مشکلات و تلاش آنها در این راه ، مشکلات موجود کارخانجات و صنعت را سریع تر حل خواهد کرد . بدون شک ، حق مشارکت دموکراتیک تشکلهای کارگری در امر اداره تولید یکی از

هفته گذشته آقای هاشمی وزیر صنایع طی اطلاعیه ای مدیران کارخانجات تولیدی را ملزم به ارائه گزارش کارکرد ماهانه کارخانه به کارکنان کرد . این گزارش ها که شامل اطلاعات ضرور درباره میزان تولید ، ضایعات فروش ، هزینه ، سود و زیان ، درجه کیفیت کالای تولید شده ، میزان بدهی کارخانه و مشکلات موجود کارخانه می شود ، مطابق مضمون اطلاعیه به منظور آشنایی بیشتر کارگران

خبرهایی از روستاهای کشور

دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی بکشاند.

روستاهای هشترو و خواست های دهقانان

روستاهای تابعه شهرستان هشترو واقع در آذربایجان را اغلب دهات کوچک و کم جمعیت تشکیل می دهند. بطور متوسط در این روستاها بین ۱۲ تا ۵۰ خانوار و در تعداد معدودی از آنها نیز بیش از ۱۰۰ خانوار زندگی می کنند. زندگی این روستائیان عمدتا از راه کشاورزی و در درجه بعد دامپروری (به ویژه در منطقه سهند آو) و پرورش زنبور عسل تأمین می شود. مردم این منطقه از حداقل امکانات رفاهی نیز برخوردار نبوده و متحمل محرومیت های زیادی از جمله عدم وجود آب، برق، مدرسه، حمام، جاده و غیره می باشند. در حالی که تعداد کمی از روستاها که سابقا ارباب خود در آنجا ساکن بوده از بعضی امکانات نظیر آب لوله کشی و برق برخوردارند. برای اکثر روستاها تأمین آب و برق در درجه اول اهمیت قرار دارد. جیره بندی ارزاق عمومی نیز در اغلب روستاها با انجام نشده و یا سهمیه منظور شده کفاف مایحتاج دهقانان را نمی کند و آنان برای تهیه این مایحتاج خود مجبور به پرداخت قیمت های سنگین در بازار آزاد هستند که نمونه آن قند است که به دلیل کمی سهمیه دولتی روستائیان مجبور به خرید آن از بازار آزاد و به قیمت ۳۵۰ کیلویی ۲۵۰ ریال هستند. در روستاهای منطقه هشترو (به ویژه دهات پر جمعیت و دهاتی که ارباب خود ساکن آنجا بوده) بعد از پیروزی انقلاب ما شاهد اوج گیری مبارزات دهقانان علیه فئودالها عمدتا به

ارومیه - طی چند روز گذشته، دهقانان زحمتکش روستای "حیدرلو" شاهد تقسیم ۱۳۵ هکتار از اراضی فئودالها بین افراد کم زمین و بی زمین روستای خود بودند. این زمین ها که متعلق به چندتن از مالکین منفور منطقه بود با رعایت ضوابط قانونی از طرف هیات هفت نفره مصادره و در اختیار دهقانان قرار گرفت. مسئول هیات در مقابل سؤال یکی از فئودالهای صدامتلاهی که پرسیده بود "چرا به ما ظلم روا می دارید" پاسخ داد:

"اگر قرار شد شما خمس و زکاة عقب افتاده این زمین ها را بپردازید، آن وقت حتی آن قطعه کوچکی هم که برای شما باقی گذاشته ایم نمی ماند و یا در مقابل مباشر یکی از فئودالها که ادعا می کردگوا این اربابانش بودند که در مقابل گلوله های باند قاسملو سینه سپر کرده و از جمهوری اسلامی دفاع کرده بودند گفت: من در سینه شما چیزی جز هم آوایی یا آن ضد انقلابیون نمی بینم. قابل توضیح اینکه زمین هایی که دارای خاک مرغوب تری بودند در حدود ۳۰ تناب به دهقانان بی زمین تعلق گرفت و بقیه زمین ها که نامرغوب اما در وسعت بیشتری بودند در اختیار دهقانان کم زمین قرار داده شد.

ما ضمن تأیید این اقدام انقلابی هیات هفت نفری واکداری زمین ارومیه، از مسئولین جمهوری اسلامی و به ویژه نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی می خواهیم که با تصویب اجرای هرچه سریع تر بندهای "د" و "د" قانون اصلاحات ارضی همه دهقانان زحمتکش سراسر کشور را از بند فئودالها رها نموده و نیروی لایزال آنان را به دفاع از

از خود نشان داده است. این هیات علاوه بر تقسیم هکتارها زمین بین دهقانان کم زمین و بی زمین منطقه کام های بزرگی در جهت انعکاس سریع و پیگیر خواست های روستائیان به نهادهای مسئول و در نتیجه تأمین حتی المقدور نیازهای آنان برداشته است. از جمله هیات تقسیم زمین تعدادی تراکتور با قیمت مناسب در اختیار روستائیان گذاشته و در مواردی به دادن وام یک ساله برای کاشت محصول اقدام کرده است.

هیات همچنین در جلب همکاری هرچه بیشتر سایر نهادها از جمله جهاد برای در اختیار گذاشتن کمابین جهت درو که با قیمت مناسب به دهقانان اجازه داده شد نقش موثری داشته است. به علاوه این نهاد در جهت تسریع سهمیه بندی ارزاق عمومی برای روستاها فعال بوده و ابتدا خود این وظیفه را به عهده گرفته و آنگاه به شوراها و روستائیان محول نموده است. هیات هفت نفره هشترو همچنین طبق برنامه به تبلیغات سیاسی آگاهگران در روستاها می پردازد. محور اساسی تبلیغات سیاسی هیات حول ضرورت اجرای بندهای "ج" و "د" اصلاحات ارضی، شناساندن ماهیت مردمی حکومت جمهوری اسلامی به دهقانان و افشای چهره ضد انقلاب بطور کلی و ضد انقلاب در روستا یعنی فئودالها و زمینداران بزرگ دور می زند. بخش وسیعی از زحمتکشان روستاها در اثر این تبلیغات آگاهگران و مشاهده عملکردهای مردمی این نهاد، اعتماد زیادی به آن پیدا کرده اند.

کشت زمین های مصادره شده ای که به دهقانان واگذار گردیده به صورت مشاع است این شیوه کشت در بعضی روستاهای دور افتاده و محروم به صورت خوبی پذیرفته شده اما در بسیاری روستاها نسبت به این شیوه کشت اعتراضات جدی صورت گرفته است علت اصلی اعتراض دهقانان به این شیوه که تا حدی طبیعی نیز هست عبارت از این است که افراد کارآمد خانواده های روستایی که بر

صورت نوشتن طومار و شکایات و مراجعات پیگیر و مستمر به نهادهای انقلابی ندادن اجازه زمین ها به ارباب بیرون کردن ارباب از ده و دستگیری و تحویل آنها به ارگان های انقلابی می باشیم که به ویژه همکاری و همدردی این ارگان ها با زحمتکشان اثرات مطلوب و امیدوارکننده ای در آنان باقی گذاشته است.

تشکل دهقانان این منطقه عمدتا در شوراهای اسلامی روستاهاست که با کمک و کوشش نهادهای مردمی جمهوری اسلامی شکل گرفته و تبلیغات سیاسی و فعالیت های عملی آنها در جهت برآوردن نیازهای زندگی مردم نتایج شریکشی بار آورده است. در حال حاضر در اغلب روستاها شورا تشکیل شده و هرچه می گردد حمایت فعال دهقانان به ویژه افشار زحمتکش از این شوراها رو به فزونی می گیرد این شوراها علاوه بر وظایفی که از قبل بر عهده شان گذاشته شده، طبق ضرورت و خواست روستائیان وظایف جدیدی از جمله تعیین سهمیه و جیره بندی ارزاق عمومی روستا را بر عهده گرفته اند. به علاوه در مواردی برای مقابله با توطئه های رنگارنگ فئودالها و راهزنی در جاده های روستایی (اخیرا فئودالها در تعدادی از روستاهای منطقه از جمله ده چار اویماق اقدام به آتش زدن پشته های علف جمع آوری شده و کشتزارهای گندم و راهزنی نموده اند) تعیین کشیک شبانه برای حفاظت از روستا و مزارع به اهتمام شورا انجام یافته است این را هم باید اضافه کرد که در تعداد معدودی از روستاها نیز هنوز شورا بوجود نیامده است که باید در این زمینه اقدام کرد.

فعالیت های ۷ نفره در روستاهای تابعه هشترو

هیات هفت نفری واکداری زمین هشترو، از ابتدای کار خود تاکنون، مجموعا عملکردی فعال و مترقی

روی زمین کار می کنند اغلب از یک خانواده تا خانواده دیگر متفاوت است مثلا ۳ نفر از یک خانواده ۲ نفر از خانواده دیگر... روی زمین کار می کنند و پس از برداشت محصول باوجود این اختلاف نیروی کار که روی زمین صرف کرده اند سهم برابر می برند. این مساله اعتراضات و مشکلاتی ایجاد کرده است که هیات ۷ نفره می تواند با تکیه بر آئین نامه مشاع که در آن آمده است:

"... و محصول نیز در آخر هر سال بنا به میزان کاری که کشاورزان انجام داده اند و زمین و آبی که در مشاع دارند بین اعضا مشاع تقسیم می گردد" (آئین نامه مشاع) ستاد مرکزی واگذاری زمین (صفحه ۲) و بابت میزان کار تکتک افراد در جدول کار مساله را به سادگی حل کنند

مشکلات و خواست های روستائیان

در حال حاضر علاوه بر مساله کشت مشاع، مهمترین مساله دهقانان را فروش محصولات کشاورزی به خصوص گندم به دولت تشکیل می دهد. قیمت پیشنهادی دولت برای خرید گندم از قرار هر کیلو ۲۹ ریال است در حالیکه گندم در بازار آزاد تا کیلویی ۴۸ ریال به فروش می رسد. قیمت تعیین شده با در نظر گرفتن قیمت بذر و گرانی و تورم موجود مورد اعتراض دهقانان قرار دارد. از دیگر مشکلات روستائیان همچنان که در ابتدا گفته شد عدم وجود آب و برق در بسیاری از روستاها، حمام، مدرسه، راه روستایی، و مسوم دفع آفات است.

این موارد نشان دهنده بخشی از مشکلات و خواست های دهقانان و زحمتکشان روستاهای تابعه هشترو می باشد. ما نظیر مسئولین بخش نهادهای انقلابی رابه این کمبودها و مطالبات که خواست مشترک روستائیان سراسر کشور است، جلب می نمایم

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

قانون شکنی، سنگر دشمنان انقلاب است

دادستان کل کشور: اعلامیه ۱۰ ماده‌ای به قوت خود باقی است

را میراث انحصاری خود بداند

خوشبختانه اکنون جوانه‌های شناخت و مبارزه با این جریان در حال رشد است. حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور چندی پیش از تلویزیون اعلام داشت:

بایستی امنیت اجتماعی و قضایی و امنیت کامل محیط زندگی و محیط کار را برای همه افراد فراهم کنیم و وجه دیگر این اصل این است که همه کسانی که وفادار به جمهوری اسلام هستند و نظام جمهوری اسلامی ایران را قبول دارند، با هر اندیشه و تفکری بتوانند آزادانه زندگی کنند و کسی به آنها تعرض نکند.

این سخن رئیس‌جمهور پست‌های بنیادی ایشان را به رهنمودهای امام خمینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باز دیگر مورد تأیید قرار می‌دهد. در این مورد اصول بیست و دوم و بیست و سوم قانون اساسی بقیه در صفحه ۱۰

کردند، همچون بسیاری موارد دیگر هیچگاه خود را ملزم به رعایت رهنمودهای امام خمینی نیافته‌اند. تا جایی که می‌توان گفت گرایش خودمحوری و تنگ‌نگرانه در جمهوری اسلامی ایران بستر اصلی هرگونه عمل بی‌رویه و قانون‌شکنانه است. نمایندگان این تفکر در نهادهای جمهوری اسلامی ایران با عملکردهای مخرب خود اعتماد مردم و نیروهای مردمی را به انقلاب تضعیف و در راه همکاری و اتحاد نیروهای مردمی که شرط حیاتی برای دفاع پیکر از دستاوردهای انقلاب و خنثی نمودن توطئه‌های امپریالیسم است، سنگ اندازی می‌کنند. آیت‌الله منتظری در مخالفت با این جریان اظهار داشته‌اند:

"به نظر این جانب خط امام بهترین واصل‌ترین محوری است که می‌توان در تقسیم مسئولیت‌ها ملاک قرار داد و نباید هیچ گروه و یا جمعیتی انقلاب

اقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی با لجام‌زدن به همه خودمحروران و تنگ‌نگران و قشری‌گرایان که برای سایر انقلابیون حتی قائل نیستند، و می‌کوشند تا زورمرداری را جانشین آزادی برای توده‌ها سازند همراه خواهد بود.

نفوذ قابل توجه افراطیون مذهبی که حامل گرایش‌های خودمحوری و تنگ‌نگرانه می‌باشند، تاکنون به جریان تصحیح شناخت انقلاب از مدافعین و دوستان خود و مبارزه جدی با دشمنان صدمات فراوانی وارد آورده و می‌آورد. حاملین چنین گرایش مخربی در جمهوری اسلامی ایران همواره باعث گردیده‌اند تا مبارزه با جبهه ضدانقلاب سیاست‌هایی اتخاذ شود که انقلاب برای کسب پیروزی سنگین‌ترین بهای ممکن را پرداخته است. آنها علیرغم این سخن امام که اسام را سال قانون اعلام

همی از آزادی‌های فردی و اجتماعی تصریح شده در قانون اساسی به حالت تعطیل در آمده و علیرغم اعلام مکرر بایبندی جمهوری اسلامی ایران به اعلامیه ده ماده‌ای دادستان کل در مورد آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌هایی که در چارچوب قانون اساسی عمل می‌کنند، اجرای بدون خدشه این اعلامیه هنوز با موانع جدی روبرو است.

ما مسئولیت بوجود آمدن چنین وضع دشوار و تأسف‌آوری را در درجه اول برعهده جبهه گسترده ضدانقلاب و پس از آن برعهده عناصر و نیروهای قشری و تنگ‌نگر در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم. در مورد راه فائق آمدن بر این دشواری در بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبارزه در راه تأمین آزادی برای توده‌های دهها میلیونی حیرا با سرکوب آشتی‌ناپذیر ضدانقلاب با قطع همه ریشه‌های سیاسی و

اکنون در سخنان مسئولین برجسته جمهوری اسلامی ایران این مسأله بطور جدی مورد تأکید قرار گرفته است که: عدم پایبندی به قانون و کوشش جهت ایجاد محیطی آکنده از تشویش و نگرانی و بی‌اعتمادی نسبت به عملکرد نهادهای قانونی، کار دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. این مسأله در سخنان پراهمیت حجت‌الاسلام رفسنجانی در خطبه اول نماز جمعه بازتاب گسترده‌ای یافت. حجت‌الاسلام رفسنجانی در خطبه نماز گفت:

"سیاست کشور ما این نیست که با بی‌قانونی و با شعار با مردم برخورد کنیم و هر جا که دیدید یک ارگانی چه انقلابی، چه غیرانقلابی، چه آداری، چه غیرآداری می‌خواهد برخورد غیرقانونی بکند، این دوست نیست، کار دشمن را می‌کند، نادان است یا دشمن است به لباس دوست درآمده یا قضیه‌اش شکل دیگری دارد"

این سخنان پراهمیت در حالی گفته می‌شود که بخش

بقیه از صفحه ۲

دوسرچشمه

آنها وقتی از این کار نومید شدند با تمام قدرت می‌ایستند و عنودانه مقاومت می‌کنند که نگذارند انقلاب بساط غارتگری‌هایشان را درهم بریزد و امتیازات بناحق ایشان را از آنها پس بگیرد. سرچشمه اصلی، مهم و غیرقابل انکار دشواری‌هایی که سر راه پیشرفت انقلاب ما قرار گرفته است، همین مقاومت ضدانقلابی نیروهای مدافع سرمایه‌داری و فئودالیسم است.

و البته انقلاب پادشاهی‌های دیگری نیز مواجه است که سرچشمه‌اش جدا از این سرچشمه است. دشواری‌هایی که بطور عمده ناشی از اشتباهات، بی‌تجربگی‌ها و ویژگی‌های اجتماعی نیروهای مدافع انقلاب است. مسأله این نیست که این دشواری‌ها بی‌اهمیت هستند و می‌توان از آنها گذشت کرد. اشتباهات، بی‌تجربگی‌ها و ترکیب و خصوصیات اجتماعی نیروهای مدافع انقلاب عامل عمده و اساسی در تعیین سرنوشت مبارزه‌ای است که برای ازمیان برداشتن دشواری‌های دسته نخست جریان دارد. این فکر کاملاً درستی است که از هر اشتباه و ضعف ما دشمن تا می‌تواند سود می‌برد و می‌کوشد که ما را ضعیف کند لاکن این فکر درست نیست که اگر کمتر

اشتباه کنیم و بر نقطه‌ضعف‌های نیروهای مدافع انقلاب چیره شویم و تفاله‌ها را بیرون بریزیم و با نیروهای منززل، قاطع برخورد کنیم آنگاه صاحبان امتیاز و طبقات مرفه با انقلاب راه خواهند آمد و به دلخواه دست از مقاومت خواهند کشید.

خلاصه کنیم: مبارزه‌ای که در این مرحله از پیشرفت انقلاب جریان یافته است، مبارزه‌ای است در راه بازپس گرفتن امتیازات طبقاتی طبقات غارتگر جامعه و تأمین بخشی از حقوق غارت‌شده محرومان و مستضعفان. مقاومت دشمنان داخلی و خارجی انقلاب در برابر این سمت‌گیری منشا اصلی دشواری‌هایی است که بر سر راه پیشرفت انقلاب قرار دارد. فشار دشمنان خارجی بصورت تجاوز و تحریکات مسلحانه، محاصره و دیگر تضییقات اقتصادی، جنگ حاد تبلیغاتی ادامه می‌یابد. فشار دشمنان داخلی انقلاب بصورت شورش مسلحانه و عملیات تروریستی، بصورت کارشکنی در تولید، احتکار و از کار انداختن سرمایه‌ها، بصورت جنگ موزیانه تبلیغاتی برای جدا کردن نیروهای انقلابی از یکدیگر و جدا کردن نیروهای انقلابی از توده مردم و گیج و سردرگم کردن توده‌ها با شدت تمام ادامه می‌یابد. پوشش عمده صاحبان امتیازات طبقاتی در دوره قبلی گسترش انقلاب حربه

"آزادی" بود در این دوره پوشش اصلی "اسلام" است. غارتگران جامعه به کمک برخی مراجعی که هم طرفدار سرمایه‌دار هستند و هم طرفدار فئودال، می‌کوشند اسلام "واقعی" را همان اسلام امریکایی صدام و خالد و سادات و ضیا الحق معرفی کنند و مجموعه مسلمانان راستین مدافع انقلاب را به "ارتداد" متهم کنند. اشتباهات، بی‌تجربگی‌ها و خودمحوری‌ها و تنگ‌نگری‌هایی که از ویژگی‌های بخشی از نیروهای مدافع انقلاب است و مجموعه ضعف‌های آنان بالطبع مورد استفاده دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد. دشمن مسلماً به این نقطه‌ضعف‌ها امید می‌بندد و بسته است. لاکن خطاست هرگاه تصور شود که اگر ما خطا نکنیم و یا ضعف نداشته باشیم، او از مقاومت عنودانه خود دست بر خواهد داشت. این مقاومت روز به روز شدیدتر می‌شود ولی چنانکه تمام حقایق نشان می‌دهد تناسب قوا نیز چه از جنبه ذهنی و چه از جنبه عینی روز به روز بیشتر به سود دوستان انقلاب برهم می‌خورد. این شورانگیزترین مژده نصرتی است که از هر سو می‌رسد. خروش دهها میلیون مردم میهن ما که تظاهرات عظیم و تاریخی روز جمعه یک‌چشمه‌ان بود نشانگر درستی این داوری است. آری، اگر اراده کنیم و به وظایممان عمل کنیم اطمینان داشته باشیم که فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

همبستگی با جنبه جهانی ضد امپریالیستی

ضامن پیروزی انقلاب

را در یک جنبه گرد می آورد
برای مقابله با چنین
دشمن خونخوار و آماده ای
باید مجهز و مسلح بود. این
تجهیز و تسلیح از هر سو که
بدان بنگریم، همکاری و
همبستگی خلق ها و کشورهای
جنبه جهانی انقلاب را
می طلبد. آری، داروی درد
مشترک ما، اتحاد است.
اتحاد ما

برنده تر است. زیرا که تاریخ
نه به پس، که به پیش روی
دارد. فردا از آن ماست.
لازم به تاکید است که ما
از همبستگی سخن می گوئیم
زیرا همبستگی اعضای جنبه
جهانی انقلاب متکی به
استقلال یکایک اعضای آن
است و این همکاری
داوطلبانه با حفظ مواضع
و عقاید و مسلک های متفاوت
تنها و تنها ضامن ثبات و
پیروزی این جنبه است.
تمامی شکوه و زیبایی این
جنبه جهانی زحماتشان در
آن است که هرکس با حفظ
هویت خود و با دست هایی
باز، برای انجام آنچه که
می خواهد و صلاح می داند،
لیکن در جهت یک هدف،
که همانا سرکوب امپریالیسم
جهانی و برتخت نشاندن
محرومان جهان است
عضویت این جنبه را
می پذیرد. از سرشکست
آسانی که حراس عمیل
کرده اند، بد بگیریم.

فراهم آوردند. آنها که
قشری گری را می گویند،
بیشترین فضای پرواز را برای
قشری ها فراهم آوردند...
خلاصه آنکه، آنها که "میانه"
را انتخاب کردند، عاقبت
به سوی دشمن و آنها که
صادق بودند، پس از دیدن
ضررهای بسیار، به جنبه
خلق روی آوردند.
این تجربه از آن امروز
نیست. لازم هم نیست که
هرکس آزموده را بازماند.
تعالی انسان ناشی از استفاده
از تجارب یکدیگر است. و
تجربه ثابت کرده است که
بدون همبستگی، تکرار
می کنیم همبستگی که
وابستگی با جنبه جهانی
ضد امپریالیستی نمی توان به
جنگ امپریالیسم رفت و پیروز
شد، آن هم در شرایط حاد
جهان امروز که امپریالیسم
جهانی سرکردگی امریکا
برای عقب انداختن مرگ
محتوم خود، همه متحدان
یاران و دست نشاندهان خود

آنچه می گوئیم از کوره
آزمایش سرلند بیرون آمده
است. نمونه های آن، دهها
و دهها، اینجا و آنجا،
فراوانند. کشور پر عظمت
چین، تحت رهبری
مائوئیست ها، آنجا که در
جاه "سجدها" فرو رفت
که وقتی سرلند کرد، دست
صدر مائو را در دست
نیکسون و همبستگی
امپریالیسم جهانی را با
چین دید، و آنها که هنوز
در آغاز این راهند،
جوشش که باشم باور
امروز امپریالیسم و سادات
فردای آمریکانند. این را
تاریخ ثابت کرده است.
تنها در عرصه داخلی بنگرید
کمیته رهبران سازمان
مجاهدین خلق که دم از
سازره ضد امپریالیستی
می زدند، چگونه به دامان
امپریالیسم افتادند.
"مجاهدین" که خواستار
آزادی بودند، بیشترین
زمینه را برای سرکوب آزادی

محرومان بود. اما از
لیدرگویی ظالمان، معس
ظالمان درخواست محرومان به
هیروی منطق نیست، هیچ
حسنا و هیچگاه صدای
رحمکنان جهان از یک سو
ظنر می اندازد و صدای
دشمن خلق ها از سوی دیگر،
باید خای خود را و هم صدای
خود را بافت. از همین
روست که می گوئیم یک
انقلاب ضد امپریالیستی و
مردمی و یک کشور مستقل و
حاکمیت استقلال طلب و
مردمی به هیچ شکل و تحت
شرایطی نمی تواند در
کار جنبه جهانی امپریالیسم
مراز گیرد. آنها که چنین
کرده اند، آگاهانه یا ناآگاهانه
سراسر از جنبه ضد خلق
و اردوگاه جهانی سرمایه
در آوردند، خواه بگویند و
خواه کمی بر سر. و این
هداری است بر تمام
نیروهای برقی خود که هنوز
این راه را، اگرچه با حس
تنب، می روند.

سند زمانی به سب مهم
بودن اوضاع جهانی، قدرت
هوایی امپریالیسم جهانی
سرکردگی امریکا و در مقابل
سویای اردوی جهانی
سوالیسم و سروهای
فرزاد سخن علی. شخص
دو جنبه محض انقلاب و
صد انقلاب. حد در عرصه
داخلی و حد در عرصه خارجی
برای برخی ها مشکل بود. اما
آن دوران گذشته است. سر
آزید در سر خود در کار جبهه
رونده و واقعیه ها را محض
کرده است دیگر شخص دو
جنبه و تنها دو جنبه در
عرصه جهانی کار دعواری
ست. البته رهایی از
سداوری ها، ناگاهیه ها،
سنگاب سو و سنگ نظری ها
مشکل است. اما ناممکن
ست.
امروز با درکار خلقها
هسم. با مقابل آنها، راه
مانی وجود ندارد. نمی توان
هم با خلقها بود و هم با
دشمن آنها. می شود صدای

با انحصار طلبی خود را بای بند
به هیچگونه عرف و قانونی
ندادند که نتیجه آن تضعیف
اعتماد توده ها به انقلاب
خواهد بود، می توان از
شکوفایی انقلاب سخن گفت؟
به گفته حجت الاسلام
رفسنجانی "در چنین فضایی
سنگ روی سنگ بند نمی شود و
جامعه نمی تواند به راه خودش
برود"
از تمام واقعیات موجود
تنها یک نتیجه می توان گرفت،
اینکه باید با اجرای دقیق
تاخیر ناپذیر قانون، اعتماد
متکی به عدالت را در جامعه
تقویت نمود. قانون شکنی و
هرج و مرج سنگر دشمنان انقلاب
است. با نابودی این سنگر با
هر نام و نشان از انقلاب دفاع
کنیم.

نیروهای مدافع خود محروم
می سازد.
انقلاب های ضد امپریالیستی
و مردمی همواره این هدف
را دنبال می کنند که با قطع
سلطه امپریالیسم و ایادی آن
آرامش و امنیت متکی به قانون
و عدالت اجتماعی را برای
توده های محروم و مستضعف
جامعه تامین نمایند تا آنها
بدمتایه صاحبان اصلی کشور
به خاطر شکوفایی هرچه بیشتر
آرمان های عدالت خواهانه
خود تلاش نمایند و خود را از
بلاستی های بازمانده از روزگار
سلطه جنایت بار امپریالیسم
برهانند.
حال اگر پس از آن همه
مبارزه و خون های عزیزی که
مردم به خاطر تامین استقلال
آزادی و عدالت اجتماعی
داده اند، گروه و یا جریانی

روزنامه داشته باشند، برای
خودشان تبلیغات کنند...
انقلاب تاکنون از رهگذر
اعمال بی رویه و خلاق قانون
عناصر و نیروهای تنگ نظر
ضربات دردناکی متحمل
گردیده است بر بستر چنین
حرکاتی جنبه ضد انقلاب در
داخل و خارج کشور کوشیده
است از انقلاب مردمی ایران
چهره مخدوش و غیرواقعی
جهت دست یافتن به مقاصد
خائنانه خود ترسیم نماید
خود محوری و قشری گری که
الزاما به قانون شکنی می انجامد
بزرگترین آفتی است که انقلاب
را از درون تهدید می کند. این
گرایش قادر به حفظ اتحاد
صفوف بهم فشرده مردم نیست
و با دامن زدن به نفاق و چند
دستی، انقلاب را از بیکرترین

افراد در جامعه ما هستند
حتی مکتب ما را قسول
ندارند ولی قانون اساسی
می گوید و از اول امام هم
اعلام کرده و نظام جمهوری
اسلامی هم بر این
پایه گذاری شده که
آزادی های فردی و گروهی
تا حدی که توطئه نباشد
نامین خواهد شد و ما
می دانیم که حزب توده و
اکثریت یا گروه های دیگر
اینها اگر محاربه نکنند
نظام ما می گوید که آزادند
و می توانند فعالیت سیاسی
داشته باشند حتی
می توانند برای خودشان

قانون شکنی...
بقیه از صفحه ۹
حسیت، جان، مال حقوق و
مسکن و تعل انحصار را مصون
از تعرض و تنقیس عقاید را
مصون اعلام کرده است.
ما صم تاکید بر ضرورت
وفاداری مسئولین جمهوری
اسلامی ایران به قانون اساسی
و تلاش جهت اجرای هرچه
صحیح تر آن از این حیث
حجت الاسلام موسوی تبریزی
دادستان کل در مصاحبه با
سریه پیام انقلاب استقلال
می گویم که گفت:
"درباره گروه های
غیر محارب، ببینید یک وقت

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

درواهیمانی باشکوه روزجمعه : توده های رزمنده میهنمان خشم و نفرت خود را اثار امریکا کردند

مسیرهای هشتگانه راهپیمایی تهران که همه رو به سوی دانشگاه تهران و مرکز جاسوسی آمریکا داشتند تصویرگر ستاره هشتپر و درخشانی از آگاهی مردم و رزم ستارگ توده های میهن ما بود. در هر گوشه این ستاره هشتپر میلیون ها فریاد "مرگ بر آمریکا" در پهنه نیلگون میهن انقلابی مان شکفت هزاران ستاره "ششپر" صهیونیسم به آتش کشیده می شد و میلیون ها مشت گره کرده توطئه مانور "ستاره درخشان" آمریکا را محکوم می کرد.



حکایت از یک چیز داشت :

بیدارباشیم متحد شویم
دشمن اصلی امریکاست

شعارهای اصلی راهپیمایی

شعارهای اصلی راهپیمایی
بیانگر این آگاهی توده های
میهنمان بود :

"مرگ بر امریکاست"
مرگ بر اسرائیل
فلسطین اشغالسی آزاد
باید گردد
فهد فهد، تو
نوکر امریکایی و

در این راهپیمایی عظیم
مردم انقلابی میهنمان با این
شعارهای کوبنده نشان دادند
که بخوبی رژیم ارتجاعی
عریستان و فهد را می شناسند
و آنان را دست نشانده و نوکر
آمریکا می دانند. توده های
انقلابی میهنمان نشان
دادند که خود را در
سرنوشت توده های محروم

همستگی بی ثائنه با خلق
قهرمان و رزمنده فلسطین ،
همگی شوق انگیز و غرور آفرین
بود. مسیرهای هشتگانه
راهپیمایی تهران که همه رو
به سوی دانشگاه تهران و مرکز
جاسوسی امریکا داشت
تصویرگر ستاره هشت پر و
درخشانی از آگاهی و رزم
ستارگ توده های میهنمان بود
در هر گوشه این ستاره
هشتپر میلیون ها فریاد مرگ
بر امریکا در پهنه نیلگون
میهن انقلابی مان می شکفت
هزاران ستاره شش پر
صهیونیسم به آتش کشیده
می شد " توطئه مانور ستاره
درخشان " امریکا را با خشم
محکوم می کرد. گرچه
مسیرهای هشتگانه
راهپیمایی همگی ملو از
جمعیت بود ولی صفوف
راهپیمایی در جنوب شهر
تهران انبوه تر و فشرده تر
بود. شعارها و پلاکاردها ،
حرف ها و زمزمه ها در هر
گوشه ای از این دریای متلاطم

جمعه ۲۹ آبان ۶۰ دریای
عظیم خلق ، خروشی دیگر
آغاز کرد. میلیون ها زن و مرد
ایرانی سرباز از پاک ترین
کینه ها به امپریالیسم جهانی
و صهیونیسم در سرتاسر کشور
در راهپیمایی محکوم نمودن
اهداف امریکایی طرح فهد و
اعلام حمایت و همستگی با
خلق قهرمان فلسطین شرکت
کردند. در این راهپیمایی که
به دعوت آیت الله منتظری
برقرار گردید بار دیگر
چشمان همیشه توده های
رزمنده میهنمان با شور و
هیجانی بی نظیر، خشم و
نفرت خود را اثار امپریالیسم
جهانی بسرکردگی امریکا
جهانخوار کردند. ترکیب
جمعیت نشانگر شرکت وسیع
توده های زحمتکش میهنمان
در راهپیمایی بود. نقش
فعال و چشمگیر زنان ،
شعارها و پلاکاردهای ضد -
آمریکایی و ضد صهیونیستی ،
همستگی مردم و صفوف
فشرده توده ها ، شرکت پرسنل
انقلابی و نیروهای مسلح ،

و این سازمان در بسیاری از
کنفرانس ها و اجلاس های
بین المللی و منطقه ای به
عنوان تنها نماینده خلق
فلسطین شرکت میکند. و این
نیز واقعیتی است که تنها
آمریکا و اسرائیل و دیگر
نیروهای مرتجع در سطح
جهان از شناسایی "ساف"
به عنوان نماینده برحق خلق
فلسطین خودداری کرده اند.

آنچه که می تواند برای رژیم
جمهوری اسلامی ایران به
عنوان رژیمی مترقی و
ضدامریالیست که به حمایت
از جنبش های آزادیبخش
منطقه برخاسته است آموزنده
باشد این واقعیت است که در
کلیه طرح های امریکاساخته و
ارتجاع پرورده منجمد
طرح "کمپ دیوید" و فهد
رسم و آشکارا از به رسمیت
شناختن "ساف" به عنوان
تنها نماینده خلق فلسطین
خودداری شده است و سعی
شده است تا این نقش "ساف"
آشکارا و عنودانه نفی شود.
رژیم جمهوری اسلامی ایران
اگر خواهد درکنار نیروهای
مترقی جهان به مبارزه بسا
اهداف امپریالیستی و

خائنانه آمریکا و اسرائیل
برخیزد و اگر خواهد وجه
انقلابی و توان تبلیغاتی
و رزمی خود را در خدمت
وحدت و انسجام خلق
قهرمان فلسطین قرار دهد
و اگر نخواهد مستقیم و غیر
مستقیم سیاست
تفرقه جویانه ای را در مورد
فلسطین باعث گسرد
می بایستی به روشنی به
حمایت از سازمان آزادیبخش
فلسطین و به رسمیت شناختن
آن همت گمارد. نمی بایستی
فراموش کرد که آنچه "طرح
فهد" را برای امریکا ضروری
و مرم ساخت و اکنون خلق
ما به مبارزه با آن برخاسته
است همانا شکست طرح
کمپ دیوید در متحد کردن
نیروهای مرتجع منطقه و
ایجاد شکاف در نیروهای
مترقی فلسطین بود. ایران
به هیچ روی نمی بایستی در
جهت است این اهداف
تفرقه افکنانه گام بردارد.
شناسایی "ساف" از جانب
ایران می تواند
نقش مهمی در خنثی کردن
اهداف امریکا و تقویت خلق
فلسطین و نیروهای رهبری
کننده آن داشته باشد.

منطقه به ویژه خلق قهرمان
فلسطین شریک می دانند و
قاطعانه از آرمان خلق
فلسطین حمایت می کنند.
مردم میهنمان نشان دادند
که بخوبی اهداف
تفرقه افکنانه طرح فهد را
می شناسند و پا به پای
خلق قهرمان فلسطین در
افشاء و محکوم کردن آن
می کوشند.

راهپیمایی تهران که تا
مقابل جاسوسخانه آمریکا
ادامه یافت با صدور
قطعه نامه ای پایان یافت
بند های هشتگانه قطعه نامه بر
مبارزه بی وقفه با امپریالیسم
آمریکا و صهیونیسم ، حق
تعیین سرنوشت برای خلق
قهرمان فلسطین ، همستگی
دولت های مترقی منطقه برای
افشاء توطئه های امریکا و
اهداف امریکایی طرح فهد ،
تاکید شد. در این راهپیمایی
که سراسر شور ضد امریکایی
همستگی با خلق قهرمان
فلسطین و ابراز ازجار نسبت
به مرتجعین منطقه و
صهیونیسم بود ، سازمان ما
و حزب توده ایران یی
فعالانه شرکت داشتند.

آنچه که لازم است به
مناسبت برگزاری این
راهپیمایی بار دیگر مورد
تاکید قرار دهیم ، نیوه
برخورد رژیم جمهوری
اسلامی ایران با " سازمان
آزادیبخش فلسطین " است
اکنون این دیگر واقعیتی
آشکارا ناپذیر است که "ساف"
تنها نماینده مردم فلسطین
است و دقیقاً از این موضع
مورد حمایت و پشتیبانی کلیه
نیروهای مترقی جهان قرار
دارد. مناسفانه تا بحال رژیم
جمهوری اسلامی ایران موضع
روشنی در قبال "ساف"
اتحاد نکرده است و در این
راهپیمایی نظم که مانند
راهپیمایی روز قدس در
حمایت از خلق قهرمان
فلسطین انجام گرفت
هیچگونه حمایتی ، چه در
شعارهای راهپیمایی و چه در
قطعه نامه آن از "ساف"
انجام نگرفت کافی است که
این واقعیت تردیدناپذیر
مورد توجه مسئولین جمهوری
اسلامی ایران قرار گیرد که
تمامی کشورها و سازمان های
مترقی منطقه و جهان سازمان
آزادیبخش فلسطین را به
عنوان تنها نماینده خلق
فلسطین به رسمیت شناخته اند

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

در روزهای اخیر از طریق تلویزیون شاهد اجرای برنامه‌های ویژه‌ای در زندان‌های جمهوری اسلامی بوده‌ایم. نقش اصلی در این برنامه‌ها را خود زندانیان بازگشته به آغوش انقلاب ایفا کردند که به عنوان نمونه می‌توان از مراسم ویژه‌ای که به مناسبت "عاشورا" در زندان اویس برگزار شد و همچنین برنامه دیگری در همین زندان با مشارکت زندانیان و خانواده شهدای حوادث اخیر (از جمله خانواده شهدای دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و حضور برخی از صورت گرفت) نام برد. نظم و انضباط حتی برنامه‌هایی قبل از هر خبر نشاء آن است که پس از حاکم بودن حد ماه حوسبار. تلاش برای ایجاد تضای سالم و فراهم‌آوردن روایتی سازنده و ارشادی حواله می‌برد و سبب ارشاد و تبلیغ سیر از پیش جای خود را در زمان با زندانیان و حوالان فریب‌خورده باز می‌کند.

روحانی حاش و همپایان‌های هاش‌سار کوشیده‌اند و هنوز هم می‌کوشند که با تحریک رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های صدامیرالست راه را بر عود هر سخن انقلابی و هر کلام افشاگرانه بر هواداران و اعضای کم‌کرده راه محاهدین ببندند و جوانان کم‌کرده راه را از واقعیت انقلاب و جامعه بدور نگاه دارند. برای آنان فقط از قتل و اعدام و شکنجه و صغیر گلوله‌ها سخن می‌گویند و از این طریق کینه و شور و احساسات آنان را علیه جمهوری اسلامی و خط‌مردی امام و پشتیبانان صدیق آن به غلیان آورده و در راه مطامع خیانتکارانه خود هدایت کنند. به همین دلیل هنگامی که شرایطی فراهم آید، تا هواداران‌سی که از راه انقلاب دور افتاده بودند، فرصت آن را بیابند که به‌طور وسیع با مردم و نیروهای واقعی و صدیق خط امام صحبت کنند و پیام‌شان را که صمیمانه آنان را به سوی انقلاب و به آغوش خلق فرامی‌خوانند، بشنوند تا اثرات بسیار مثبتی در تصحیح راه و روش اینگونه جوانان بازی‌خورده برجای خواهد نهاد و رجوی و امثال او را چنان "مات" خواهد کرد که ناهنج تمهیدی نتوانند پزواک

اینگونه پیام‌ها را میان هواداران فریب‌خورده خود خفه سازند. سخن حق به ویژه زمانی که از دهان هم‌زم سابق بیرون آید از هر مانع و رادعی خواهد گذشت. بر تحریم‌ها غلبه خواهد کرد و بر قلب جوانان صادق و ساده‌خواه نشست. امکان "دوباره اندیشیدن" بی‌رامون جنایات رجوی‌ها را فراهم ساخته و بر آتش شک و تردید و دودلی‌ها خواهد دمید.

باشند، تنها از راه‌ارشاد و اقناع جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند" (از اعلامیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) آبان ۵۹

امروز، حواله‌های مثبت گرایش به درپشتی گرفتن سیاست ارشاد به جای برخورد‌های خشن - انتقام‌جویانه و اعدام‌های

فراهم‌آوردن چنین شرایطی قبل از همه بر عهده مقامات و مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی است. تنها یک بررسی کوتاه ولی صادقانه و خالی از پندآوری از آنچه که در ۵ ماه گذشته بر میهن ما رفته است به آسانی و روشنی معلوم می‌کند که به سرنسب سیه و موثرترین روش برای مقابله با تروریسم و خشک‌اندن ریشه‌های ایس "تحفه" دهشتناک امیرالیم، آن است که اصل، بر ارشاد قرار گیرد ایجاد تضای سالم، سازنده و آگاه‌گرانه برای جوانان فریب‌خورده همراه با سرکوب فاطح عناصر فاسد و اصلاح‌نشدنی که به مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران برخاسته و همچنین بر درستی و ادامه آن پافشاری می‌کنند، یگانه سیاستی است که جمهوری اسلامی با توسل به آن قادر خواهد بود به سود انقلاب را از این دام امیرالیمستی نیز با موفقیت برهاند. این تنها راه است و از سوی نیروهای انقلابی نیز بارها و بارها بر ضرورت پیگیری همه‌جانبه آن تأکید و پافشاری شده و نسبت به خطرات بی‌اعتنایی به آن هشدار داده شده است.

"تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم بردامنه باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابود کرد افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست

در کنار قاطعیت هدایت می‌کنیم" (جمهوری اسلامی ۲۵ آبان)

نمونه‌های جدیدی از گرایش به این سیاست جدید اصولی، واقع‌بینانه و امیدبخش در سخنان اخیر آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم نماز جمعه این هفته انعکاس یافت:

"سیاست کشور ما این

نیست که با بی‌قانونی و شعار با مردم برخورد کند مردم باید مطمئن باشند که با قانون با آنها رفتار می‌شود. بدون قانون جامعه نمی‌تواند به راه خودش برود. این توصیه را بپذیرید که در فرموده امام می‌ایستیم و سال آینده محکم‌تر از امسال، سال قانون خواهد بود" (اطلاعات ۳۰ آبان)

مسئولین قضایی کشور نیز در این زمینه سخن‌ها گفته‌اند آقای ربانی املشی دادستان کل کشور در مصاحبه با خبرنگار روزنامه اطلاعات تأکید کرد:

"... یقین بدانید که ما برای زندانیان سیاسی اگر رفاه بیشتری قائل نشویم قطعاً برای آنها از دیگران رفاه کمتری در نظر نخواهیم گرفت"

ایشان در بخش دیگری از همین مصاحبه تأکید کرد:

"من شخصا بدانم اگر خدای ناکرده نسبت به یک فردی که آن فرد انسانیت به خرج داده خلاصی انجام گیرد مسئله را تعقیب خواهیم کرد و حتی اگر کسی مرتکب این عمل شده باشد، هرکس که باشد من او را تعقیب خواهم کرد" (اطلاعات ۲۱ آبان)

نظیر این سخنان را در صحبت‌های اخیر دیگر مقامات بلندپایه قضایی کشور نیز شنیده‌ایم. آقای

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در نماز جمعه هفته پیش (۲۲ آبان) ضمن تأکید بر ادامه قاطعیت در مقابله با تروریسم از لزوم ارشاد جوانان فریب‌خورده سخن گفت. آقای موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در همین زمینه طی مصاحبه مطبوعاتی یکشنبه ۲۴ آبان و همچنین مصاحبه با خبرنگاری پارس در قم (۳۰ آبان) بر لزوم تأمین رفاه زندانیان، ترتیب دادن برنامه‌های آموزشی تسریع در محاکمات از سرگرفتن ملاقات‌ها و بطور کلی اهمیت برخورد‌های سازنده و ارشادی نسبت به زندانیان تأکید کرد علاوه بر اعلام رسمی و پای‌بندی عملی به این سیاست بازتاب حدی آن در روش مسئولین زندان‌ها از طریق ایجاد فضایی مناسب تفاهم‌آمیز و سازنده در زندان‌ها فراهم‌آوردن امکانات و شرایط مناسب برای زندانیان، برخورد‌های شایسته و اصولی با خانواده‌های آنان و ... نقش بسیار مهمی در جذب مجدد جوانان به سوی انقلاب و مردم دارد.

بازهم باید تأکید کرد که درپشتی گرفتن چنین سیاستی برای انقلاب ایران اهمیت اصولی دارد و هر روز تأخیر و کندی در به‌اجرا درآوردن این سیاست و هر اعدام نابجا ضربه‌ای است که مستقیماً بر پیکر انقلاب وارد می‌شود و رجوی‌ها هستند که عوام‌فریبانه از آن بهره‌گیری کرده و می‌کوشند تروریسم را مشروعیت بخشند. با اتخاذ سیاست پیگیرانه ارشادی باید راه را بر این عوام‌فریبی‌ها بست. ما امیدواریم که این سیاست از سوی مسئولین جمهوری اسلامی با پیگیری دنبال شود، وعده‌ها به عمل درآید هر چه زودتر فضای صلح، دوستی و تفاهم به‌جای برخورد‌های خشن و زیان‌بار ماه‌های اخیر بر فضای جامعه ما سایه گستراند و دور نباشد روزی که درهای زندان‌ها به روی جوانانی که پس از یک دوره غفلت و در غلطیدن به دام سیاست‌های ضدانقلابی، مجدداً به راه انقلاب و مردم بازگشته‌اند، بازگردد و نیروی خلاق آنان در جهت دفاع از انقلاب و مبارزه علیه آمریکای حیانتکار و تروریست‌های "اقتصادی" به کار افتد.

تلاش مذبوحانه گروهکهای ضدانقلابی در اطراف آمل

باند‌های مسلح ضدانقلابی در مازندران تاکنون چندین بار از جمله در ۲۴ آبان ماه راهزانه مبادرت به بستن جاده آمل - تهران کرده‌اند و تاکنون تعدادی از مردم را به گروگان گرفته و چندین نفر از پاسداران را به شهادت رسانده‌اند در این درگیری‌ها مردم با آتش‌زدن اعلامیه‌های ضدانقلابیون خشم و نفرت خود را از این دستجات ضدانقلابی اظهار می‌داشتند.

دامنه عملیات این گروهک‌ها را وسیع جلوه دهد، حربه‌ای که به‌ویژه باند رجوسی - خیابانی با توسل به آن هواداران و اعضای خود را می‌فریبند، تا آنها را خام کرده و در بی‌خبری نگه‌دارند. شکست محتوم این آخرین تلاش‌ها، چشمان راه گم کردگان بیشتری را نسبت به خیانت رهبران گروهک‌ها باز خواهد کرد و داغ ننگ تازه‌ای بر پیشانی این رهبران خواهد نشاند. این تلاش مایوسانه و توطئه‌گرانه تازه هم، مانند دیگر تلاش‌های تروریستی خائنانه برزودی در غرقاب شکست و رسوایی بزرگتر غرق خواهد شد.

به سود محرومان مخالفند تقویت نمایند. درگیرکردن جمهوری اسلامی در این یا آن نقطه کشور، دامن‌زدن به بی‌ثباتی، تشدید نسل‌آرامی‌های سیاسی و دامن‌زدن به جو ارباب و ناامنی و بی‌اعتمادی و کاشتن تخم کینه و نفاق از آن دست که سیا با کمک باند خیانتکار "رجوسی - خیابانی" در میان مردم و خانواده‌ها کاشته است همه در خدمت این هدف غم و پلید امریکای جنایتکار است.

باند‌های مسلح ضدانقلابی در مازندران تاکنون چندین بار از جمله در ۲۴ آبان ماه راهزانه مبادرت به بستن جاده آمل - تهران کرده‌اند و تاکنون تعدادی از مردم را به گروگان گرفته و چندین نفر از پاسداران انقلاب را به شهادت رسانده‌اند در این درگیری‌ها مردم با آتش‌زدن اعلامیه‌های ضدانقلابیون خشم و نفرت خود را از این دستجات ضدانقلابی اظهار می‌داشتند.

شکست مفتضحانه اخیر جبهه متحد ضدانقلاب و گروهک‌های چپ‌رو، طرد قاطعانه آنان از سوی مردم شهرها که به فرار رسوای بنی‌صدر و رجوی انجامید اکنون رهبران خائن گروهک‌ها و مدافعان بنی‌صدر را به فکر انداخته است که به درختان و باتلاق‌های جنگل پناه برند. تلاش ورشکسته و مذبوحانه‌ای که در چند مورد بنحو خنده‌آوری در یکی دو نقطه حاشیه جنگلی جاده تهران - آمل از جانب مائوئیست‌ها و گروهک‌های چپ‌رو صورت گرفت، بالاترین نشان ورشکستگی محتوم این گروهک‌ها و جز آخرین تلاش‌هایی است که مذبوحانه از جانب آنان صورت می‌گیرد هرچند که ضدانقلابی‌ها با می‌کوشد با توسل به شایعه

بی‌برده و کمک مستقیم و غیر مستقیم امریکا به رهبران گروهک‌های چپ‌رو و چپ‌نما از جمله به بنی‌صدر و رجوی ماسالی و کنکولی از اول انقلاب تا کنون نشان امریکایی‌بودن تلاش مذبوحانه‌ای است که اکنون در اطراف آمل زیر عنوان "قیام سربداران" به عمل می‌آید.

هدف تمامی این توطئه‌ها شکست انقلاب ایران و به‌روزی کسار آوردن دولت دست‌نشانده امپریالسم آمریکا به منظور پاسداری از منافع غارتگرانه امپریالسم جهانی در میهنان و در منطقه است. هدف مقدم‌تری که ضدانقلابیون در ایجاد آشوب و بلوا در سراسر کشور تعقیب می‌کنند جلوگیری از استقرار قانون در جمهوری اسلامی ایران و مانع‌تراشی بر سر راه سمت‌گیری مردمی انقلاب و جمهوری اسلامی در شرایط کنونی است. آمریکا و اذنان آن در عین حال با کمک خودفروختگانی مانند بنی‌صدر و رهبران خائنی چون قاسملو و رجوی‌ها و باهم‌دستی مائوئیست‌ها و جاسوایی امریکا پیورده "به جهانی تلاش می‌کند تا مانع اقدامات بنادین اقتصادی شود که امسام خمینی رهبر انقلاب و اکثر مسئولین جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند که مصمم‌اند در جهت منافع زحمتکشان کشور به انجام رسانند.

امپریالسم سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب متحد آن اکنون با سمت‌گیری مردمی جمهوری اسلامی ایران به هراس مرگ افتاده‌اند. آنها تمام تلاش‌های خود را به عمل می‌آورند تا در این سمت‌گیری اختلال بوجود آورند و نیروهایی را که در درون و در کنار جمهوری اسلامی با اقدامات بنیادین

به دنبال شکست مفتضحانه سیاست خائنانه باند رجوی برای گسرس درگیری‌های مسلحانه خیابانی، جبهه متحد ضدانقلاب سرکردگی امریکای جنایتکار تلاش‌های مذبوحانه تازه‌ای در جنگل‌های شمال کشور تدارک می‌بیند. شواهد و قرائین موجود حاکی از آن است که این تلاش مذبوحانه در جهت احزای سیاست‌های براندازی شورای به اصطلاح مقاومت ملی از همکاری و همدستی فعال همه نیروهای صدانقلابی از سلطنت‌طلبان تا باند خیانتکار و ضدانقلابی رجوی - خیابانی برخوردار است. گویا احزای نقشه تازه‌ای که شکست مفتضحانه آن هم اکنون آشکار است به عهده جاسوسان سه‌جبهانی و سایر مائوئیست‌های همدست آمریکا نهاده شده است.

تاکتیک ایجاد کانون‌های شورش و اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران تاکتیک است که توسط کارشناسان، از پیش طراحی شده و توسط انقلابیون ایران افشا گردیده است. اسناد انتشار یافته توسط دانشجویان مسلمان چپ‌رو خط‌امام حاکی از آن است که امریکای جنایتکار برای احزای این تاکتیک هم به کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و لیبرال‌ها مکی است و هم به رهبران خیانتکار گروهک‌های چپ‌رو و هم به ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و هم به مائوئیست‌های وطنی که مردوران بی‌حیره و مواجب امریکا هستند انکاء دارد.

ایجاد کانون‌های شورش در غرب و جنوب، تسلیح جوانان و فتوای‌های فارس و بلوچستان، سکند دستجات راهزنی و باند‌های مسلح و تروریست از ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان و جاسوسان امریکا و بسیاری تبلیغاتی

وزیر صنایع و معادن:

«مدیران کارخانجات...»

برای تامین حوائج اولیه اقتصادی کارگران قاطع و بگیرند، بلکه در همه عرصه‌های اجتماعی ممکن (برای مبارزه یک سندیکای انقلابی)، مبارزه سیاسی و اجتماعی همه‌جانبه‌ای را (چه در مبارزه علیه امپریالسم و لیبرال‌ها و چه در نظارت بر اداره تولید و مصرف) می‌برند. در این میان، نظارت شوراهای کارگری در اداره تولید، همواره به عنوان یک وظیفه انقلابی کارگری - سندیکایی طی سه ساله اخیر عینیت یافته و چه در قانون اساسی، چه در موضع‌گیری‌های مسئولین جمهوری اسلامی ایران، نیز تعهدات انقلابی متقابل را در قبال زحمتکشان برانگیخته است آنچه که آقای هاشمی به مدیران واحدهای تولیدی و صنعتی هشدار داده‌اند ضمن آنکه نشانه توجه مسئولانه بسیاری از مقامات دولت جمهوری اسلامی به سهم کارگران در شناختن مشکلات موجود و نقش اساسی‌شان در مبارزه برای تسریع حل این مشکلات است در عین حال بیانگر تعهدی است که دولت جمهوری اسلامی و نمایندگانش در واحدها (مدیران) در قبال

کارگران میهن ما دارند. و اما در ادای این تعهد و ایفاء آن (در رابطه با اطلاعیه وزیر صنایع) دو نکته زیر قابل تصریح و تاکید است: ۱ - اشاره به تعهد مدیران در قبال کارگران درست است، اما دقیق نیست. بجای آن باید تصریح کرد: تعهد مدیران در قبال شکل کارگری (شورای کارخانه) ۲ - باید توجه داشت که نظارت شکل‌های کارگری در امر اداره تولید، مفهومی گسترده دارد و به اینکه این شکل‌ها در جریان گزارش‌های منظم ماهانه مدیران قرار گیرند نیز محدود نمی‌شود این نظارت می‌تواند باید شامل اشکال مؤثرتری از قبیل شرکت نمایندگان شورا در جلسات تبادل نظر مدیران بطور مستمر و اعلام نظر مشورتی در تصمیم‌گیری‌ها و... نیز گردد. اما قطع نظر از اینصورت، تصریحات ضرور، باید بر توجه مسئولان وزیر صنایع و معادن در قبال مصالح انقلاب و درک ضرورت تقویت مبارزه‌ای که برای تامین استقلال اقتصادی، به پیش می‌رود، ارج نهاد.

انقلاب ایران و

افغانستان

بقیه از صفحه ۱۶

اهمیت بسیاری برخوردار دارند خلقهای محروم قدرت را در دست گیرند و رژیم های مرفعی به حاکمیت برسند. از این روی این انقلابات به بهانه های گوناگون و به صورت مختلف مورد تهدید قرار گرفته اند. ترفندهای امپریالیسم هر چند ماهیت یکسانی دارند، لیکن بسته به شرایط ویژه هر کشور شکل خاصی پیدا می کنند. توطئه هایی که برای سرنگونی رژیم های مرفعی ایران و افغانستان صورت پذیرفته نیز بی شک فقط در ظاهر یا یکدیگر تفاوت دارند، لیکن ماهیت آنها یکسان می باشد.

اگر انقلاب ایران با توطئه هایی نظیر کودتا، تجاوز نظامی ناموفق طبعی تاکتیک دولت لیبرال و میانبر، خرابکاری، تسلیح خوانین و بزرگ مالکان و غیره مواجه بوده است. انقلاب افغانستان نیز با توطئه هایی از این دست مواجه بوده است.

نگاهی کوتاه به آنچه در افغانستان می گذرد، بخوبی آشکار می سازد که چگونه پس از انقلاب ثور ۱۳۷۸ امپریالیسم اقدام به برپایی باندهای سیاست فراوان برای سرنگونی رژیم مرفعی حاکم بر این کشور نموده است. این باندها به خاطر شرایط ویژه افغانستان و همسایگانش تماماً نقاب "اسلام" و "مذهب" را بر چهره زده اند. اما شاید امروز دیگر نیازی به تکرار نباشد که در پشت این نقابها عوامل مستقیم و غیرمستقیم امپریالیسم پنهان گشته اند که رسالتی جز ویرانی پلها و جاده ها، آتش زدن مدارس خراب کردن بیمارستان ها و کشتار مردمی که به انقلاب وفادارند و در یک کلام خدمت به امپریالیسم برای خود قائل نیستند.

برای شناخت باندهای سیاست افغانی کافی است فقط شماره های متعدد روزنامه های کیهان و اطلاعات را دیگر بار مرور کنیم تا دریابیم که حتی به اعتراف رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران این باندها تحت نظر عوامل آمریکا، چین و کشورهای مترجمی

مانند مصر و پاکستان به "فعالیت های انقلابی" در افغانستان مشغولند چندی پیش ریگان آشکارا اعلام نمود که به "مجاهدین افغانی" کمک نظامی خواهد داد و البته بسیاری از این "رهبران افغانی" بیش از هلاکت سادات معدوم افتخار شرفیابی به حضور او را نیز یافته اند (جمهوری اسلامی ۹ تیر ۵۹) و ملاقات های پی در پی و مشورت با ضیاء الحق و اردوزدن در پاکستان که امری معمول است. واقعیت این است که از دیرباز پیوندهای استواری میان خلقهای ایران و افغانستان وجود داشته است وقوع انقلاب در ایران دو کشور و همزمانی آن مسلماً باید این پیوندها را تشدید می نمود. امروزه میان انقلاب ایران و افغانستان چه باور داشته باشیم و چه نداشته باشیم پیوندهای منطقی موجود است. در هر دو کشور رژیم های مرفعی حاکم هستند و هر دو کشور مواضع امپریالیسم را زیر ضرب گرفته اند. هر دو کشور با توطئه های عدیده ای که از جانب امپریالیسم بر آنان تحمیل شده است، مواجه اند واضح است که خلقها و رژیم های دو کشور که با امپریالیسم در ستیزند دارای اشتراک عمل و نظر بوده و این اصلی است که نه تنها خلق ما را به خلق افغانستان که به تمام خلقهای جهان پیوند می دهد از این روی ایجاد اختلاف و شکاف میان کشورهای مرفعی و انقلابی و منحرف کردن اذهان آنها از مبارزه با امپریالیسم جهانی به سمت خطرات واهی نظیر به اصطلاح "خطر شوروی" امری طبیعی است. پس از انقلاب کشور افغانستان و پس از آنکه اتحاد شوروی در چارچوب معاهده دوستی و همکاری و همکاری اتحاد شوروی و افغانستان منعقد در ۱۹۷۸ در دسامبر سال ۱۹۷۹ بنا به درخواست های مکرر دولت این کشور منتهی به اعزام عده محدودی از واحدهای نظامی خود به این کشور (که آماج مداخلات خارجی نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی قرار گرفته بود) موافقت کرد، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا تمامی سعی و کوشش خود را بکار برد که از این حربه بخصوص در رابطه با پیوندهایی که میان ایران و

افغانستان وجود داشت و دارد استفاده نماید. متأسفانه علیرغم آنکه تمامی رژیم های انقلابی و مرفعی حاکمیت افغانستان را به رسمیت می شناسد و علیرغم آنکه حتی رسانه های گروهی جمهوری اسلامی نیز بر ماهیت آمریکایی باندهای ضدانقلابی افغانی صحه گذارده اند، هنوز نیز این تفرقه امپریالیسم کارآیی دارد و جمهوری اسلامی بر پشتیبانی از باندهایی که نه تنها هرگز اهل مبارزه علیه امپریالیسم نبوده و نیستند، بلکه خود عامل امپریالیسم اند اصرار می ورزد.

جمهوری اسلامی ایران یکی از دلایل خود را در توجیه سیاست خود در قبال

انقلاب افغانستان، حضور نیروهای اتحاد شوروی در این کشور اعلام کرده است. ولی آیا این مسأله می تواند دلیل موجهی بر حمایت از گروههایی که سرگرم مبارزه با دولت انقلابی افغانستان می باشد، باشد و آیا می تواند توجیهگر اقدامات دیگری از قبیل دادن اسلحگان، بخش برنامه های رادیویی به این گروه ها باشد؟ آیا نباید صدای جمهوری اسلامی ایران صدای آزادی و صلح و صدای پیکار با امپریالیسم باشد؟ برنامه رادیویی که در اختیار این نیروها قرار گرفته علیه چه کسی تبلیغ می کند جز علیه کسانی که با امپریالیسم پیکار می کنند؟

رسانه های گروهی امپریالیسم جهانی با بوق و کرنای گوشخراشی از تجاوز شوروی به افغانستان سخن می گویند. نیروهای ناگاه نیز گاه و بیگاه تحت تاثیر این تبلیغات قرار می گیرند و آن را بازگو می نمایند. اما سئوالی که اینجا پیش می آید، این است که چگونه است که در این تبلیغات هیچگاه از مداخله امپریالیسم آمریکا، پاکستان، مصر و چین در افغانستان سخنی در میان نیست؟ چگونه است که حضور مستشاران نظامی چینی و آمریکایی در اردوگاه های پاکستان و تعلیمات نظامی به "مجاهدین افغانی" مداخله نیست، و چگونه است که ارسال اسلحه های چینی و آمریکایی به خاک افغانستان مداخله در امور افغانستان نمی باشد؟ و باز هم چگونه است که حمایت از گروه هایی که سرگرم مبارزه با

یک رژیم انقلابی می باشند مداخله در امور آن کشور نمی باشد؟

در پیرو همین مداخلات در امور داخلی افغانستان بوده است که دولت این کشور تقاضای کمک از اتحاد شوروی نموده و افغانستان اعلام کرده است به محض اعلام پذیرش عدم مداخله در افغانستان توسط نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی نیروهای شوروی خاک این کشور را ترک خواهند نمود. اما همانگونه که تضعیف انقلاب ایران و شکست این انقلاب حز برای امپریالیسم برای هیچ نیروی دیگری سودی دربر نخواهد داشت تضعیف انقلاب افغانستان و عدم پشتیبانی از حاکمیت افغانستان نیز جز امپریالیسم هیچ فرد دیگری را خوشود نخواهد ساخت. سرنگونی حکومت مرفعی افغانستان و روی کار آمدن باندهای

وزارت بازرگانی باید...

وزیر بازرگانی آن نیست. واردات و صادرات هر دو باید بطور کامل دولتی شود اما نحوه دولتی شدن و مهلت معقول آن امری است که مجلس شورای اسلامی به آن رای نهایی خواهد داد. به این ترتیب روشن است که تأکیدات و سیاست آقای عسکروالادی بر اصل ۴۴ قانون اساسی منطبق نیست. ما بر این اعتقادیم که اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازرگانی خارجی را بطور کامل در اختیار دولت قرار داده است و دولت را از واگذاری این حق انحصاری به سرمایه داران و نهادهای غیردولتی منع کرده است. به اعتقاد ما اصل ۴۴ در راستای توسعه بخش دولتی و تعاونی و متوجه محدود کردن بخش خصوصی به فعالیتها و ایجاد قائل کنترل است. ما بر این نظریه که ملی کردن بازرگانی خارجی اقدام عمیق و همه جانبه ای است که باید دولتی کردن کامل واردات و صادرات و دگرگون کردن بازرگانی خارجی کشور در راستای استقلال اقتصادی را هدف قرار دهد. به این منظور باید تجارت خارجی کنونی کشور از تکیه گسترده بر روابط با انحصار امپریالیستی بیرون آمده و در جهت تحکیم و تقویت

بقیه از صفحه ۴

روابط اقتصادی با کشورهای ترفیخواه، دوست و حامی انقلاب و استقلال ایران سوق داده شود. در زمینه بازرگانی داخلی تأکید باید بر جایگزین کردن نظام عمده فروشی کنونی توسط مراکز توزیع عمده دولتی و شبکه تعاونی های متشکل از تولیدکنندگان و کسبه خرده پا قرار گیرد. بر این اساس روشن است که آنچه راک بخش دولتی را تولید یا وارد می کند (نظیر آهن) خود نیز توزیع عمده خواهد کرد. و گشودن دست تجار بزرگ در این میان واقع گشودن باب احتکار و ایجاد کمیود گرانی است. ما بر بنیای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و به ویژه اصل ۴۴ آن همواره بر این مواضع تأکید ورزیده ایم. به اعتقاد ما وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی ایران باید بایستی بدور از استعاره و ابهام درباره همه این جزئیات با صراحت کافی اظهار نظر کند تا مسأله ای که در این زمینه ها برای مردم مطرح است، پاسخ گفته شود. وزیر بازرگانی امروز باید بنحوی واقعی، به دور از ظاهر سازی و طفره رفتن ها، خود را پاینده اصل ۴۴ قانون اساسی و تأیید امام در این زمینه نشان دهد.

آقایان! بهانه کافی است دانشگاهها را باز کنید!

از بیانییه مشترک حزب توده ایران و
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موفق ترین معیار سنجش در این زمینه همان وفاداری به آماج‌هایی است که توده‌های میلیونی زحمتکشان، میهن‌دوستان و مبارزان راه استقلال و آزادی واقعی برای دست‌یافتن به آنها، علیه جبهه متحد ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به نبرد برخاستند و با جانپازی و ایثار کم‌نظیر انقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب که در جمهوری اسلامی ایران و در قانون اساسی متبلور گردید عبارت بود از:

- پایان‌بخشیدن به تسلط حابرانه و غارتگرانه امپریالیست‌ها و تامین همه‌جانبه استقلال ملی.
- سرنگون ساختن کاخ استبدادی و بیدادگری و تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی
- لجام‌زدن به غارتگری بی‌بند و بار چاولگران اجتماعی و تامین عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم و غارت‌شده
- اگر ما این معیار را که امام خمینی همواره و بدون کوچکترین تغییر، مورد تاکید قرار داده‌اند، چه در مورد مناسبات کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی سراسر جهان، درست به کار ببریم، بی‌تردید خود را از بسیاری از اشتباهات و شاید از عمده‌ترین بخش‌آن، نجات خواهیم داد.
- بزرگترین مسئولیت تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی که خود را پیرو خط امام خمینی می‌دانستند شناخت درست و کاربرد عقلایی همین معیارهاست.

در خدمت مردم و انقلاب و ریشه‌کن کردن سلطه آموزشی و فرهنگی امپریالیسم حمایت کرده و به سهم خود به آن یاری می‌رسانند. سخن بر سر این است که آیا اصولا مجاز بودیم به اینکه با طرح ضرورت انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها را برای یک مدت طولانی بر روی جوانان بیندیم و از آن بدتر این تعطیلی را هنوز هم ادامه دهیم؟ پافشاری بر روی این سیاست نادرست، عواقبی بار آورده که نه تنها برای انقلاب وارد آورده‌است سخن بر سر آن نیست که انقلاب فرهنگی که یکی از نیازها و خواسته‌های انقلاب ماست باید انجام گیرد یا نه؟ همه نیروهای انقلابی و مردمی از کوشش‌های جمهوری اسلامی برای تبدیل دانشگاه‌ها در همه ابعاد به دانشگاه‌های

این شرایط دشوار، جامعه انقلابی ما بیش از هر زمانی بدان نیاز دارد، به هدر رفتن اکنون که نزدیک به ۱۸ ماه از تعطیلی دانشگاه‌ها می‌گذرد، کمتر کسی است که به نتایج زیان‌بار و مخرب این عمل‌آگاه نشده باشد. درست در شرایطی که جامعه انقلابی ما برای سازندگی و آبادانی نیاز از انکار ناپذیری به نیروهای متخصص و کاردان متعدد به انقلاب دارد، جمهوری اسلامی با تعطیل نسنجیده دانشگاه‌ها و پافشاری نسنجیده بر روی ادا میسه تعطیلی آن، جامعه و انقلاب ما را از مهمترین منبع تامین کارشناسان، متخصصین و کادری علمی و فنی محروم ساخته است.

علاوه بر آن، بر اثر این اقدام نزدیک به دویست هزار جوان دانشجو که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بودند، بی‌کار و سرگردان شده و هیچ دورنمای روشنی برای زندگی خود ندارند. هر ساله دهها هزار دانش‌آموز که دوره دبیرستانی را به پایان می‌رسانند بر این عده افزوده می‌شوند و جمهوری اسلامی بجز در مورد بخش بسیار اندکی، هیچگونه تعهد و مسئولیتی را در قبال آنان به عهده نگرفته است. در طول این مدت نارضایی این خیل عظیم از وضع موجود بستر مناسبی بوده است برای سوء استفاده ضدانقلاب و دامن‌زدن به انواع گرایش‌های انحرافی سیاسی و اخلاقی.

دلایل سست‌پایه‌ای که نزدیک به دو سال پیش برای تعطیلی دانشگاه‌ها عنوان می‌شد، امروز دیگر به هیچ‌رو نمی‌تواند قابل قبول باشد. دانشگاه‌های ما به این بهانه که

اعضای ستاد انقلاب فرهنگی روز بیست و ششم آبان به حضور امام خمینی رسیدند و گزارش کار این ستاد را به ایشان تقدیم کردند. بنا به گفته آقای حسن حبیبی یکی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، امام در این دیدار تاکید کردند که:

"هرچه زودتر دانشگاه‌ها باز شود" متأسفانه علیرغم این گفته صریح امام خمینی که برای چندمین بار بر بازگشایی هرچه زودتر دانشگاه‌ها تاکید کرده‌اند، و علیرغم آنکه نزدیک به یک سال و نیم از تعطیل موسسات آموزش عالی می‌گذرد، هنوز چشم‌انداز مطمئنی برای بازگشایی دانشگاه‌ها و حل این معضل بچشم نمی‌خورد.

دکتر حسن حبیبی پس از دیدار با امام وعده بازگشایی دانشگاه‌ها داده و اعلام کرد: "تمام رشته‌های دانشگاه‌ها ظرف یکی دو ماه آینده به تدریج شروع به فعالیت می‌کنند و سعی خواهد شد ظرف یک تا یک سال و نیم دیگر دانشگاه‌ها بطور کلی باز شوند."

(اطلاعات ۲۷ آبان) هرچند که اعلام خبر آغاز "فعالیت تدریجی رشته‌های دانشگاهی" اگر همچون وعده‌ها و خبرهای مشابه قبلی در این زمینه، به فراموشی سپرده نشود، امیدوارکننده است اما زمان بازگشایی دانشگاه‌ها باز هم به آینده‌های دور و مبهم احاله شده است.

مهر امسال برای دومین بار درهای دانشگاه‌ها بر روی دهها هزار تن جوان مشتاق کار و کوشش و تحصیل بسته ماند و نیروی عظیمی که در

هرچه زودتر دانشگاه‌ها باز شوند" تحقق یابد

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

نخست وزیر طی مصاحبه ای اعلام کرد: بخش تعاونی ها گسترش می یابد

نخست وزیر در مصاحبه مطبوعاتی روز یکشنبه اول آذرماه پیرامون مسائل داخلی و خارجی کشور سخن گفت و بر روی مسائل مربوط به رابطه بخش های اقتصادی مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکید ویژه ای کرد.

نخست وزیر، ضمن حمله به ضدانقلاب که می کوشد با عوام فریبی بخش هایی از جامعه را که می توانند در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران خدمات مفید انجام دهند، نسبت به دولت بدبین می سازند، تاکید کرد که:

در کشور ما تضمین کافی برای بخش عمومی، بخش تعاونی و بخش خصوصی داده شده."

مهندس موسوی ضمن تکیه بر این مسئله که دولت مصمم است در چارچوب قوانین و در انطباق با اساس جمهوری اسلامی، سرمایه های را که را به امور تولیدی هدایت کند، روی اهمیت حضور بخش دولتی و به ویژه گسترش تعاونی ها که ضامن استقلال اقتصادی و سست گیری دولت در اقدام به سود محرومان جامعه است، تاکید خاصی کرد:

"در این نظام، بخش دولتی مطابق تعریفی که قانون اساسی از آن می کند، و حدودش را معین می کند حضور خواهد داشت و به هیچ وجه از بین نخواهد رفت. بخش تعاونی گسترش پیدا خواهد کرد و بخش خصوصی خود را حتما خواهد داشت ..."

نخست وزیر در جای دیگری از سخنان خود مجددا بر اهمیت تعاونی ها در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران انگشت گذاشت و عنوان نمود که دولت در صدد تشکیل وزارتخانه ای به نام "وزارت تعاون" است و هم اینک قدم هایی در این جهت برداشته شده است.

ما از این سخنان واقع بین نخست وزیر استقبال می کنیم و بر تاکید مکرر او در مورد اهمیت تصویب بخش دولتی اقتصاد و گسترش تعاونی ها و کنترل این بخش ها بر روی بخش خصوصی، تکیه می کنیم.

آقایان!
بهانه کافی است
دانشگاهها را باز کنید!

در صفحه ۱۵

درواهیمانی باشکوه روزجمعه:

**توده های رزمنده میهنمان
خشم و نفرت خود را تار امریکا کردند**

مسیرهای هشت گانه راهپیمایی تهران که همه رو به سوی دانشگاه تهران و مرکز جاسوسی آمریکا داشتند تصویرگر ستاره هشت پر و درخشانی از آگاهی مردم و رزم ستارگ توده های میهن ما بود. در هر گوشه این ستاره هشت پر میلیون ها فریاد "مرگ بر امریکا" در پهنه نیلگون میهن انقلابی مان می شکفت هزاران ستاره "شش پر" صهیونیسم به آتش کشیده می شد و میلیون ها مشت گره کرده توطئه مانور "ستاره درختان" امریکا را محکوم می کرد.

در صفحه ۱۱

**انقلاب ایران
و
افغانستان**

دشمنان مشترکی دارند

پیروزی انقلاب ایران و افغانستان که به فاصله کوتاهی نیست به یکدیگر صورت پذیرفتند، باعث گردید که امپریالیسم جهانی برکردگی امپریالیسم آمریکا نه تنها قسمتی از مراکز نفوذ خود را در جهان و بخصوص در منطقه از دست بدهد، بلکه یکی از شکننده ترین ضربات را در چندین سال اخیر متحمل گردید. همانند هر انقلاب دیگری این انقلابات نیز از بدو و ژئوپلیتیکی نیز چه در رابطه با منطقه و چه در رابطه با نزدیکی با اتحاد شوروی از بقیه در صفحه ۱۴

هشدار رئیس جمهور:

ساواکی ها هنوز هم مشغول توطئه هستند

در صفحه ۴

**تلاش مذبوهانه گروهکهای ضد انقلابی
در اطراف آمل**

در صفحه ۱۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر